

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیره عملی اهل بیت (ع): زندگانی حضرت فاطمه زهرا (س)

گردآوری و تدوین: دکتر نرگس شکریگی

به سفارش دفتر امور بانوان و خانواده دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

پاییز ۱۴۰۴

مقدمه

اللهم صل على الصديقه فاطمه الزكيه حبيبه حبيبك و نبيك و ام احبائك و اصفياك التي انتجبتها و فضلتها و اخترتها على نساء العالمين اللهم كن الطالب لها ممن ظلمها و استخف بحقها و كن الثائر اللهم بدم اولادها.

اگرچه درباره ی زندگانی حضرت فاطمه علیهاالسلام در ابعاد مختلف مطالب فراوانی نوشته شده ولی باین مسئله که باید آن بانوی بزرگوار را اسوه ی حسنه قرار داد و راز عظمت و شخصیت آنحضرت را شناخت کمتر پرداخته شده است.

بنابراین چه خویست زنان مسلمان با این انگیزه به مطالعه و بررسی زندگی زهرا علیهاالسلام بپردازند که صفات کمال و حمیده ی ایشان را در خویش ایجاد نمایند.

همانطور که معروف و مشهور است دوران زندگی حضرت فاطمه علیهاالسلام بسیار کوتاه بود و از هجده سال تجاوز نکرد، اما در همین مدت کوتاه این برترین بانوی دو جهان عالیترین آئین همسرداری، خانه داری، بچه داری، مبارزه با غاصبین حقوق آل محمد علیهم السلام و غیره را به مردم عالم آموخت.

خانمها می توانند زندگی مختصر فاطمه علیهاالسلام را از ولادت تا شهادت همانند یک تابلوی زیبا در برابر دید خویش مجسم کنند و با الگو گرفتن و نگاه بر آن، نیکبختی و سعادت دنیا و آخرت خود را تامین نمایند.

این پژوهش با بررسی و مروری کوتاه به پشتوانه ی روایات درباره ی آنچه بر فاطمه علیهاالسلام گذشت و البته بیشتر بدین منظور که زنان با ایمان با داشتن چنین گنج گرانمایه ای که سر تا پا همه نور و فضیلت است سراغ بیگانگان نروند و خط و الگو از غرب و شرق نگیرند.

والسلام علی من اتبع الهدی

نامگذاری

نخستین مسئله ای که بین خانواده ها حتی قبل از تولد نوزاد مطرح است موضوع نامگذاری و انتخاب اسم است و بی شک برگزیدن هر اسمی حکایت از طرز تفکر و علاقه ی پدر و مادر به شخصی است که نامش را برای فرزند خویش انتخاب می کنند.

آیا بهتر نیست اولیاء محترم نامی را برای فرزندان خویش برگزینند که باعث احیاء فرهنگ اسلام و زنده نگهداشتن اسامی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام باشد و از نامها و اسامی قبیحه و بیگانه پرهیز کنند؟ در زیارت ارزشمند جامعه کبیره خطاب به خاندان پیامبر علیهم السلام عرض می کنیم که: «و اسمواکم فی الاسماء... فما احلی اسمائکم» اسامی شما در بین اسامی است... و چقدر نامهای شما با حلاوت و شیرین است. «قیل لابی عبدالله علیه السلام: انا نسئی باسمائکم و اسماء آبائکم فینفعنا ذلک؟ فقال ای والله» (مجلسی، ج ۲۳، ص ۱۲۲)

حضور امام جعفر صادق علیه السلام عرض شد که ما فرزندان خود را بأسماء شما و پدرانتان نامگذاری می کنیم، آیا این عمل برای ما در پیشگاه الهی اجر و فایده ای دارد؟ حضرت صادق علیه السلام فرمود: بلی بخدا قسم این عمل نفع معنوی دارد.

«ان النبی صلی الله علیه و آله و سلم قال: من ولد اربعه اولاد لم یسم احدهم باسمی فقد جفانی» (کافی، ج ۲، ص ۱۹) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم میفرمود: کسی که چهار فرزند بیاورد و هیچ یک را باسم من نامگذاری نکند بمن جفا کرده است.

ممکن است کسی بگوید که اولاد چه تقصیری دارد! وقتی پدر و مادر و بزرگترها نام زشتی برای او انتخاب کرده اند چه کاری از او ساخته است پاسخ این عزیزان اینست که هیچوقت دیر نیست، اولاد می تواند شخصا اقدام کند و نام خوب را برای خویش برگزیند و از همه بخواهد که الزاما او را با آن نام دلخواهش صدا بزنند.

«عن جعفر بن محمد عن ابیه علیهاالسلام: ان رسول الله کان یغیر الاسماء القبیحه فی الرجال والبلدان (الحديث، ج ۱، ص ۱۹۲)

امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل نمود که فرمود: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم أسماء قبیح مردم و شهرها را تغییر می داد.

همانطور که ذکر شد بهترین نامها، اسامی و ألقاب معصومین علیهم السلام، بنابراین بچه شیعه ها و شیفتگان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم لازم است که نامهایشان همانند نامهای آن بزرگواران باشد و چون در این مقال بحث درباره ی بزرگ مقتدای بانوان فاطمه ی زهرا علیهاالسلام است به نقل اسامی آن حضرت اکتفا می کنیم.

«عن یونس بن ظبیان قال: قال ابو عبدالله علیه السلام: لفاطمه علیهاالسلام تستعه اسماء عندالله عزوجل فاطمه، والصدیقه، والمبارکه، والطاهره، والزکیه، والراضیه، والمرضیه، والمحدثه، والزهره» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۱۰)

امام صادق علیه السلام فرمودند: حضرت فاطمه علیهاالسلام نزد خداوند بزرگ نه اسم دارند. فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه، زهره.

شیخ صدوق در کتاب امالی و علل و خصال روایت فوق را با همان مضمون نقل نموده است.

نامهای حضرت فاطمه علیهاالسلام بر اساس نقل ابو جعفر القمی عبارت است از: فاطمه، بتول، حصان، حره، سیده، عذرا، زهرا، حوراء، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه، مریم کبری، صدیقه کبری و در آسمان او را نوریه و حانیه نامند (مجلسی، ج ۴۳، ص ۱۶)

«زهراء» یعنی درخشنده و روشن، «حصان» بمعنای پارسا و عقیف است، «حره» زن آزاد و کریمه را گویند، «محدثه» فرشتگان با او حدیث می گفتند، «محدثه» او در شکم مادر حدیث می گفت، «حانیه» به زنی گویند که کمال مهربانی را نسبت به شوهر و فرزندان خود داشته باشد.

«فاطمه» وصفی است از مصدر فطم در لغت یعنی بریدن و قطع کردن، این صیغه که بر وزن فاعل معنی مفعولی می دهد به معنی بریده و جدا شده است، فاطمه از چه چیز جدا شده است؟

«عن الرضا عن آبائه عن علی علیه السلام قال: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یقول: سمیت فاطمه لان الله فطمها و ذریتها من النار» (همان ص ۱۸)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: نام دخترم فاطمه شد چونکه خداوند او و فرزندانش را از آتش جدا می نماید.

در حدیث دیگر جبرئیل در پاسخ رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم گفت: «سمیت فاطمه فی الارض (لانه) فطمت شیعتنا من النار» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۱۸)

نام او را در زمین فاطمه گفتند زیرا که خداوند شیعیان او را از آتش دوزخ جدا می کند.

مرحوم مجلسی از عیون أخبار الرضا علیه السلام روایت دیگری را نقل می کند که: «قال ابن عباس لمعاویه: اتدري لم سمیت فاطمه، فاطمه؟ قال لا، قال: لانها فطمت هی و شیعتها من النار» (همان ص ۱۰)

ابن عباس از معاویه پرسید: می دانی چرا فاطمه را فاطمه نامیدند؟ گفت نه! ابن عباس گفت: چون او و شیعیان او به دوزخ نمی روند. امام صادق علیه السلام به یونس بن ظبیان فرمود: «تدري ای شی تفسیر فاطمه؟ قلت: اخبرنی یا سیدی قال: فطمت من الشر» (همان، ص ۱۴) آیا می دانی تفسیر فاطمه چیست؟ گفت بفرمائید آقای من. فرمود: یعنی از شر و بدیها بریده شد.

هنگامی که فاطمه ی زهراء علیها السلام بدنیا آمد اهل آسمان به یکدیگر مزده به ولادت آن حضرت می دادند، «وحدث فی السماء نور زاهر لم تره الملائکه قبل ذلک و قالت النسوة: خذیها یا خدیجه طاهره مطهره، زکیه، میمونه بورک فیها و فی نسلها» (همان، ص ۳)

در آسمان نوری درخشان جلوه گر شد که تا آن لحظه هیچ یک از ملائکه ندیده بودند و زنان (ساره - آسیه - مریم - کلثم) که از بهشت برای یاری خدیجه آمده بودند گفتند: بگير فرزنت را که طاهره، مطهره، زکیه و میمونه است او و نسلش مبارک باشند.

و از جمله نامهای حضرت فاطمه علیها السلام حوراء و انسیه و منصوره است و بهمین جهت در روایات نبوی صلی الله علیه و آله و سلم آمده است که فاطمه علیها السلام حوریه ای بصورت انسان، در آسمانها او را منصوره و در زمین فاطمه نامیدند.

و در حدیثی که از ابن عباس نقل شده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فاطمه بضعه منی و هی نور عینی و ثمره فوادی، و روحی التی بین جنبی و هی الحوراء الانسیه (ریاحین الشریعه، ج ۱، ص ۲۱)

فاطمه پاره ی تن من است و او نور چشم می و جای من است که میان سینه ام قرار دارد و او حوراء انسیه است. اکنون با استفاده از روایات ذکر شده اسامی آن بزرگوار را مرور می کنیم: فاطمه - صدیقه - مبارکه - طاهره - زکیه - راضیه - مرضیه - محدثه - زهراء - بتول - حصان - حره - سیده - عذراء - حوراء - انسیه - منصوره - مریم کبری - صدیقه کبری - نوریه - حانیه - مطهره - میمونه - محدثه.

نقش مادر در سعادت و شقاوت فرزند بخصوص در دوران بارداری بسیار حساس و حیاتی است. مادران اگر تعالیم اسلامی را مورد توجه قرار دهند و همانند خدیجه مادر بزرگوار فاطمه علیها السلام حتی قبل از انعقاد نطفه به تهذیب و پاکیزه کردن خویش برآیند شک نیست که خود در درجه ی اول عفت و تقوی قرار گرفته و ثمره ی آنها نیز پاکیزه خواهد بود. و برعکس اگر بخواهند پیروی از تمدن افسار گسیخته غرب و شرق کنند دامن خود را آلوده به هرزگیها و رسوائیهای بیگانگان نموده و در نتیجه کودکان و نونهالان خویش را به تباهی و نابودی خواهند کشاند. برای مادران ارجمند باید این مسئله روشن باشد که فرزندان که در شکم دارند خلاصه ای از مجموعه ی حالات نفسانی آنها است، هر نوع حرکت مادی و معنوی که داشته باشند دقیقاً روی بچه تاثیر می گذارد. در دوران حمل نهایت دقت را در انتخاب غذا از جهت طهارت و نجاست و حلال و حرام بنمایند، چه بسا در اثر بی احتیاطی مادران در خوردن غذاهای آلوده و شرکت در مجالس و محافل گناه در همان روزهای نخستین شکل گیری فرزند بدبختی و شقاوت او نیز شکل خواهد گرفت!

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: الشقی الشقی فی بطنی امه والسعید من سعد فی بطن امه» (مجلسی، ج ۳، ص ۴۴)

بدبخت کسی است که در رحم مادر گرفتار شقاوت شود و خوشبخت کسی است که در شکم مادر سعادت مند باشد. رهبری مادر در تأمین سعادت و شقاوت فرزند یک اصل مسلم و بدون مخالف است. مادر نقش اول را در ساختن پایه های معنوی فرزند بعهده دارد. آری مادری که فریب الگوهای غربی را نمی خورد حتماً خوشبختی فرزندان

خویش را در پرتو عفاف و پاکدامنی خود تامین خواهد کرد. رسول گرامی اسلام می فرمود: «طوبی لمن کانت امه عفیفه» (مجلسی، ج ۲۳، ص ۷۹) خوشبخت کسی است که مادرش صاحب عفت و طهارت نفسانی باشد.

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در ابطح نشسته بود جبرئیل نازل شد و عرض کرد: یا محمد: العلی الاعلی یقرء علیک السلام و هو یامرک ان تعتزل عن خدیجه اربعین صباحاً» یا محمد صلی الله علیه و آله و سلم: خداوند بزرگ بر تو سلام می رساند و می فرماید: چهل شبانه روز از خدیجه کناره گیری کن و به عبادت و تهجد مشغول باش، پیغمبر اکرم بر اساس دستور خداوند تبارک و تعالی چهل روز به خانه ی خدیجه نرفت و در آن مدت شبها به نماز و عبادت می پرداخت و روزها روزه دار بود.

«فلما کان فی کمال الاربعین هبط جبرئیل علیه السلام فقال: یا محمد العلی الاعلی یقرئک السلام و هو یامرک ان تتاهب لتحیته، و تحفته» چون چهل روز بدین منوال سپری شد جبرئیل فرود آمد و غذائی از بهشت آورد و عرض کرد: یا محمد صلی الله علیه و آله و سلم خداوند بزرگ بر تو سلام می رساند و فرمان می دهد که از این غذاهای بهشتی تناول کن.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم با آن غذاهای روحانی و هدایای بهشتی افطار کرد، هنگامی که برخاست تا آماده ی نماز و عبادت شود جبرئیل نازل شد و عرض کرد: «الصلوه محرمة علیک فی وقتک حتی تاتی الی منزل خدیجه فتواقعها فان الله عز و جل الی علی نفسه ان یخلق من صلبک فی هذه اللیله ذریه طیبه» (مجلسی، ج ۱۶، ص ۷۸)

ای رسول خدا امشب از نماز مستحبی بگذر و به سوی خانه ی خدیجه حرکت کن زیرا خداوند اراده نموده که از صلب تو فرزند پاکیزه ای بیافریند. از آن شب که نور فاطمه علیها السلام از صلب پدر به رحم مادر منتقل شد کم کم آثار بارداری را در خویش احساس می کرد و آن بانوی گرامی و فداکار تا حدی از غم و غصه ی تنهایی بیرون آمد.

مفضل بن عمر می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم کیفیت ولادت فاطمه علیها السلام چگونه بوده، فرمود:

«نعم ان خدنجه عليها رضوان الله لما تزوج بها رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم هجرتها نسوه مکه، فکن لايدخلن عليها و لايسلمن عليها ولا يترکن امراه تدخل عليها فاستوحشت خديجه من ذلك فلما حملت بفاطمه عليهاالسلام صارت تحدثها فی بطنها و تصبرها»(مجلسی، ج ۱۶، ص ۸۰)

به هنگامی که رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم با خديجه عليها رضوان الله ازدواج کرد. زنان مکه از وی کناره گیری کرده و رفت و آمد خود را با او قطع نمودند، خديجه از این جهت غمگین گردید تا اینکه به فاطمه حامله شد و این نوزاد در شکم با خديجه سخن می گفت و خديجه را دلداری می داد.

نوزاد چیست؟

این اولین سؤال در بدو تولد هر نوزاد است و البته حکایت از حساسیت اشخاص نسبت به پسر یا دختر بودن طفل تازه وارد می نماید!

روش امامان معصوم عليهم السلام خلاف این بود، مثلاً امام سجاد زين العابدين عليه السلام همینکه مژده تولد فرزندی را به حضرتش می دادند: «لم یسئل اذکر هو ام انثی بل یقول اسوی فاذا کان سویاً قال الحمد لله الذی لم یخلقه مشوها»(مکارم الاخلاق، ۲۶۲) نمی پرسید پسر است یا دختر بلکه از اندام معتدل و ساختمان سالم او سؤال می کرد. چون خبر سلامتش را می شنید می گفت: خدای را شکر که او را ناقص نیافریده است.

آرزوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خديجه عليهاالسلام این بود که بر اساس نیاز فطری هر زوج صاحب فرزندی شوند و خداوند تبارک و تعالی آرزوی آنها را برآورده کرد و دو پسر پی در پی به آنها عنایت فرمود ولی هر دو در کودکی وفات یافتند. به همان مقدار که رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و خديجه از مرگ آنها متأثر شدند کفار و مشرکین شادمان و خشنود گشتند و فکر کردند که دیگر نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قطع شده و گاهی امثال عاص بن وائل با کمال گستاخی آن حضرت را ابتر یعنی بی فرزند می خواندند.

اما خداوند تبارک و تعالی به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مژده داد که ما بتو کوثر عطا خواهیم کرد و در پاسخ دشمنان سوره ی کوثر را فرستاد.

وقتی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مژده دادند که خداوند به شما نوزاد دختر عطا خواهیم کرد غرق شادی شد و از دختردار شدن نه تنها غمگین نشد بلکه مطمئن و آرام خدای را سپاس گذارد.

آری پیامبر عظیم الشان اسلام یکی از موارد مبارزاتش مبارزه با افکار کوتاه و جاهلانه ی مردم عصر خویش بود که قرآن آنها را درباره ی دختردار شدنشان اینگونه معرفی می کند.

«و ادا بشر احدهم بالانثی ظل وجهه مسوداً و هو کظیم، یتواری من القوم من سوء ما بشر به ايمسکه علاهون ام یدسه فی التراب الاساء ما یحکمون» (نحل/۵۸-۵۹) و چون یک نفرشان را بشارت دختر دهند، چهره اش تیره گردد و غمزده شود، از قباحت چیزی که بدان بشارتش داده اند، از قوم نهان شود و نداند آن را به ذلت نگهدارد یا در خاکش نهان کند، چه بد قضاوت می کنند.

بهر حال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به مردم عالم تا قیامت فهماند که دختر و اصولاً زن یکی از اعضاء مهم و حساس خانواده است و مقدسترین مسئولیتها را بعهده دارد. و این خواست پروردگار بود که پس از مرگ پسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرزند دختری به آن بزرگوار عنایت کند که مادر و منشأ ذریه و نسل پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گردد و از این طریق ارزش زن عملاً به جهانیان فهمانده شود.

شدت علاقه ی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه اگر چه بیش از حد محبت یک پدر نسبت به دخترش بود و بیشتر مربوط می شد به شخصیت ذاتی و ایمان و تقوی خانم زهرا علیها السلام ولی با احتمال زاید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می خواهد آن حالت زبونی و کوچک کردن زن را بشکند و با محبت به فاطمه به زنان عزت بخشد.

یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می گوید: «ما کان احد من الرجال احب الی رسول الله من علی ولا من النساء احب الیه من فاطمه» (فضائل خمس، ج ۳، ص ۱۳۲)

از مردان کسی نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم محبوب تر از علی علیه السلام نبود و از زنان کسی را بیشتر از فاطمه دوست نمی داشت.

در جای دیگر می گوید: «ان فاطمه كانت اذا دخلت على رسول الله عليه و آله و قام لها من مجلسه و قبل راسها واجلسها مجلسه» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۴۰) هر وقت فاطمه علیها السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد می شد از جای خود بلند می شد سر او را می بوسید و او را بر جای خویش می نشاند. و نیز همان شخص به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اعتراض کرد که چرا اینقدر فاطمه را می بوسی... پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از بیان چگونگی انعقاد نطفه ی فاطمه علیها السلام فرمود: «ففاطمه حوراء انسیه فکلما اشتقت الی رائه الجنة شممت رائحه ابنتی» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۴۲) فاطمه حوراء انسیه است من هر وقت مشتاق بوی بهشت شوم فاطمه را می بوسم و می بویم زیرا که از او رائحه ی بهشت را استشمام می کنم.

دوران کودکی

حضرت فاطمه علیها السلام دوران کودکی در محیطی بسیار خطرناک و اوضاع بحرانی گذراند. تولد آن حضرت در سال پنجم بعثت بود یعنی درست همان زمانی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مأمور باظهار دعوت شده و مشرکین و کفار برای اذیت و آزار آن حضرت هجوم برده بودند. زیرا تا آن موقع دعوت حضرت مخفیانه انجام می شد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از ترس دشمنان نمی توانست دعوتش را علنی کند.

اغلب روزها با دست و پای خونین و سنگ خورده و دلی آزرده از زخم زبانهها و تمسخرها و اهانت های دشمنان به خانه می آمد و این وضع تقریباً تا سالهای پنجم و ششم عمر فاطمه علیها السلام که حضرت خدیجه و ابوطالب زنده بودند ادامه داشت ولی با مرگ این دو بزرگوار که تنها حامیان وفادار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بودند آزار مشرکین بر آن حضرت بیشتر شد و همه این صدمات و اهانتها یک نوع شکنجه روحی برای حضرت زهرا علیها السلام بود که پدر را چون جان خویش دوست می داشت.

عبدالله بن مسعود می گوید: روزی در حالیکه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در سجده بود و اطراف آن حضرت جمعی از قریش بودند عقبه این ابی معیط شکنجه ی گوسفندی را آورده و بر پشت آن حضرت انداخت، «فلم یرفع راسه فجاءت فاطمه علیها السلام فاخذته من ظهره دعت علی من صنع (صحیح بخاری، ج ۵، ص ۵۷) پیغمبر

صلی الله علیه و آله و سلم سر خود را برداشت تا آنکه حضرت فاطمه علیها السلام آمد و آن را برداشت و درباره ی کسانی که این کار را انجام داده بودند نفرین کرد.

شبهه حوادث فوق برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چندین بار اتفاق افتاد که در اغلب موارد حضرت زهرا علیها السلام به یاری پدر شتافت و از نزدیک شاهد جسارتها و آزارها بر پدر بود. در سه سالی که بعنوان تبعید در شعب ابوطالب گذراندند خدا می داند که به فاطمه علیها السلام چه گذشت، تمام سنگینی مشکلات بر دوش حضرتش بود و این کودک عالیمقام چون کوه در برابر همه ی سختیها ایستاد.

انتخاب همسر

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «من زوج کریمته من فاسق فقد قطع رحمها» (موجه البیضاء، ج ۳، ص ۹۴) هر کس دختر خود را به ازدواج مر فاسقی درآورد با این عمل از وی قطع رحم نموده است. اسلام درباره مسئله ی ازدواج تعقیب کننده مقاصدی بزرگ و حیاتی است. این دین مبین می خواهد ضمن پاسخ به ندای فطرت و غریزه ی جنسی نفس به آرامش و سکون برسد و زمینه ی محبت و مودت با تعاون و همدلی یکدیگر ایجاد گردد و در نتیجه نسلی پاک و صالح از این پیوند بوجود آید. و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیهما و جعل بینکم موده و رحمه ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون (روم ۲۱)

از جمله آیه ها (خداوند تبارک و تعالی) اینست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفریده تا بدانها آرام گیرید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد که در این برای گروهی که اندیشه می کنند عبرتهاست. ازدواج وقتی ثمره مودت و رحمت دارد که ضوابط و نکات مربوط به انتخاب همسر رعایت شود، و آن ضوابط عبارت است از معتقدات سالم و اسلامی، خلق و خوی شایسته و اصالت خانواده، و این حق مسلم زن و شوهر است که این نوع معیارها را درباره ی همسر آینده خود جستجو کنند و بدون تردید ضابطه کفویت هم از همین مقوله است، باین معنی که زن و مرد در اعتقادات و اخلاق و رفتار و خانواده کفو و موزون باشند.

در مکتب اسلام همتائی و کفویت بر مبنای طهارت و پاکیزگی معنوی زن و مرد است مرد مؤمن هم کفو و متعلق به زن مؤمنه است.

مردی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کرد که با چه کسی باید ازدواج کرد؟ حضرت فرمود: «الاکفاء فقال و من الاکفا فقال صلی الله علیه و آله و سلم المؤمنون بعضهم اکفاء بعض» (وسایل الشیعه ج ۷، ص ۵۱) هم کفو، عرض کرد، هم کفو چه کسانی هستند؟ فرمود مؤمنون بعضی بر بعض دیگر هم کفو می باشند. حسین بن بشار گفت به حضرت جواد علیه السلام نامه ای نوشته راجع به کفویت در ازدواج سؤال کردم آن حضرت در پاسخ به من نوشت: «من خطب الیکم فرضیتم دینه و امانته فزوجوه» (من لایحضر الفقیه ج ۳، ص ۲۴۲) هر کس از شما خواستگاری کند دین و امانتش را بیسندید هر که باشد بوی دختر بدهید.

حال برگردیم به اصل مطلب و آن الگو گرفتن از روش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و خواستگاران فاطمه ی زهرا علیها السلام است و ببینیم که آیا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هر کس از دخترش خواستگاری کرد فاطمه را به عقد او درآورد، یا آنکه کفویت و لیاقت معنی و الهی را ضابطه قرار داد.

فاطمه ی زهرا علیها السلام از نظر اصالت خانواده جزء شریفترین خانواده ها است. او سلاله ی اصحاب طاهرین و ارحام مطهره است، از حیث کمالات معنوی و اخلاقی و مقام والای عصمت در عالی ترین مرتبه قرار دارد. به همین علت همواره مورد توجه بزرگان قریش و رجال معروف عرب واقع شده و گاه و بیگاه پیشنهاد ازدواج با حضرتش را می دادند، ولی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اصلاً خوشش نمی آمد که اینها درباره ی فاطمه علیها السلام صحبت کنند لذا خواستگاران را با بی اعتنائی رد می کرد.

ان ابابکر و عمر خطبا الی النبی صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه مره بعد اخری فردهما (مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴۵)

چندین بار ابابکر و عمر به خواستگاری حضرت زهرا علیها السلام آمدند ولی حضرت پاسخ منفی به آنها داد. یک روز ابابکر بدین منظور خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید و عرض کرد: یا رسول الله میل دارم با شما وصلت کنم! آیا می شود که فاطمه را به عقد من درآورم؟

فرمود: آنها صغیره و انی انتظار بهالقضاء فلقیه عمر فاخبره فقال ردک ثم خطبها عمر فرده (تذکره الخواص، ص ۳۰۶) فاطمه هنوز کوچک است و اصلاً تعیین همسر او با خداست من نیز منتظر دستور خدایم، ابوبکر مایوسانه برگشت. در بین راه با عمر ملاقات نمود و جریان خواستگاری خودش را با او در میان گذاشت. عمر گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیشنهاد ترا رد کرده. بعد عمر خود به عنوان خواستگاری خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حاضر شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیشنهاد او را نیز نپذیرفت. عبدالرحمان بن عوف و عثمان بن عفان که هر دو از ثروتمندان بزرگ بودند به عزم خواستگاری خدمت رسول خدا رسیدند. عبدالرحمان عرض کرد یا رسول الله اگر فاطمه علیهاالسلام را به من تزویج کنی حاضرم یکصد شتر سیاه آبی چشم که بارهایشان پارچه های کتان اعلای مصر باشد و ده هزار دینار مهریه اش کنم.

عثمان نیز اظهار داشت: یا رسول الله من هم به همین مهریه حاضرم و بر عبدالرحمان برتری دارم زیرا زودتر مسلمان شده ام. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از سخن آنان سخت خشمناک شد و برای آنکه بفهماند من به مال شما علاقه ندارم و داستان ازدواج داستان خرید و فروش و مبادله ی ثروت نیست، مشتی سنگ ریزه برگرفت و به جانب عبدالرحمان پاشیده و فرمود: تو خیال می کنی من بنده ی پول و ثروتم و بوسیله ی ثروت خودت بر من فخر و مباهات می کنی و می خواهی بوسیله ی پول ازدواج را بر من تحمیل کنی.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام تنها کفو فاطمه علیهاالسلام: امام صادق علیه السلام فرمود: «لولا ان الله تعالی خلق امیرالمؤمنین لم یکن لفاطمه کفو علی وجه الارض آدم فمن دونه» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۱۰۷) اگر خداوند تبارک و تعالی امیرالمؤمنین علی علیه السلام را خلق نمی کرد از حضرت آدم تا آخرین انسان روی زمین کسی همتا و کفو فاطمه نبود.

و البته این بدان جهت است که مسئله ازدواج علی علیه السلام نیز با فاطمه علیهاالسلام از جانب پروردگار تعیین شده و شخص رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نیز مامور باین امریّه بوده است. و بهمین جهت همه ی خواستگاران پاسخ رد شنیدند و به اکثر آنهایی که داوطلب ازدواج با حضرت فاطمه علیهاالسلام بودند از ناحیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جواب می شود که: «انتظر امر الله فیها» منتظر فرمان خدایم.

و بالاخره انتظار سرآمد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

آتانی ملک فقال یا محمد ان الله یقرا علیک السلام و یقول لک انی فد زوجت فاطمه ابنتک من علی بی ابیطالب فی الملاء الاعلی فزوجها منه فی الارض»(احقاق الحق، ج ۶، ص ۶۱۷) فرشته ای به نزد من آمد و گفت ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم خداوند تو را سلام می رساند و می گوید من دختری فاطمه را در آسمانها به همسری علی بن ابیطالب درآوردم تو هم در زمین اینکار را انجام بده.

در حدیث دیگر نقل شده که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یا علی ان الله امرنی ان اتخذک صهر»(احقاق الحق، ج ۶، ص ۶۱۶).

ای علی: خداوند مرا امر کرده که تو را به دامادی خود انتخاب کنم. یک روز امیرالمؤمنین علی علیه السلام بنا بر پیشنهاد عده ای از مردم و تشویق و ترغیب آنها تصمیم به خواستگاری حضرت زهراء علیها السلام گرفت و خود را آماده کرد تا به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شود. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در خانه نشسته بود که ناگهان در باز شد و علی علیه السلام سلام کرده در حضور آن حضرت نشست. در این مورد راوی حدیث خود امیرالمؤمنین علیه السلام است، می فرماید: فلما رأنی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ضحک ثم قال: ما جاء بک یا ابالحسن حاجتک؟»

همین که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مرا دید خندان شد و فرمود: ای ابالحسن به چه منظوری آمده ای؟ حاجتت را بیان کن. علی علیه السلام می فرماید: از آنجا که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ابهت خاصی داشت من نتوانستم حاجتم را بگویم و سکوت کردم، پیغمبر که چنان دید، خود به سخن آمده و فرمود: لعلک جئت تخطب فاطمه» شاید به خواستگاران فاطمه آمده ای. عرض کردم آری.

فقال یا علی انه فد ذکرها قبلک رجال فذکرت ذلک لها فرایت الکراهه فی وجهها، ولكن علی رملک حتی اخرج

الیک

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا علی پیش از تو مردان دیگری هم به خواستگاری او آمدند ولی من گاهی که با خود فاطمه در میان گذاشتم چنین احساس کرده ام که موافق نبوده و روی خوش نشان نداده است. اینک تو در جای خود باش تا من بازگردم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برخاست و به درون خانه و پیش فاطمه علیها السلام رفت. حضرت زهرا علیها السلام جلو رفت عبای پدر را از دوشش برداشت و نعلین های او را به کناری گذارد و سپس آب آورد دست و روی و پاهای مبارکش را شست و آنگاه پیش روی پدر نشست.

فقال لها: یا فاطمه فقلت لبيك لبيك حاجتك يا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه را صدا زد و با جمله ی لبيك لبيك پاسخ دختر گرمی را شنید.

سپس فرمود: ای فاطمه: علی بن ابیطالب کسی است که خوبی، نزدیکی و فضیلت و سابقه اش را در اسلام می دانی، و من از پروردگار خود خواسته ام که تو را به همسری بهترین خلق خود و محببترین آنها در پیشگاه او درآورد و اکنون که وی به خواستگاری تو آمده نظر تو در این باره چیست؟

فاطمه سر به زیر انداخت و چیزی نگفت: اما مانند دفعات قبل آثار ناراحتی در چهره اش دیده نشد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از جا برخاست و فرمود: الله اکبر سکوتها اقراره «الله اکبر سکوت فاطمه نشانه ی رضایت و پذیرش اوست. فاتاه جبرئیل علیه السلام فقال: یا محمد زوجها علی بن ابیطالب فان الله قد رضیها له ورضیه لها» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۹۳) و به دنبال آن جبرئیل نازل شد و گفت ای محمد: فاطمه را به عقد علی بن ابیطالب درآور زیرا که خداوند به این ازدواج راضی است.

مهریه

از ارکان مهم عقد و ازدواج مهر است که با توافق طرفین تعیین می گردد و شرعا بر ذمه ی شوهر باقی می ماند که عندالمطالبه بپردازد و هیچگاه شوهر نباید قصد نپرداختن داشته باشد، چنانکه بعضی که مهریه را خیلی سنگین و بالا می گیرند می گویند مهر را که داده و که گرفته و حال آنکه یک دین شرعی و قانونی است. مهر به هر چیزی

که ارزش مالکیت داشته باشد اطلاق می شود البته به شرط آنکه بی حساب نباشد زیرا که در اسلام مهر زیاد نهی شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«افضل نساء امتی اصبحهن وجها و اقلهن مهرا» (وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷۸) بهترین زنان امت من کسانی هستند که در عین داشتن زیباترین چهره کمترین مهر را دارند.

اگر اسلام ما را از سنگین کردن مهریه منع می کند به این دلیل است که بالا بردن مهریه باعث کدورت و دشمنی در خانواده ها می شود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «لا تغالوا بمهور النساء فتکون عداوه» (وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۱)

مهر زنان را از حد معمول بالاتر نبرید که سبب پیدایش دشمنی خواهد شد. شاید بعضی که مهر را خیلی سنگین می گیرند به این انگیزه است که مانعی سر راه شوهر بگذارند و از متلاشی شدن زندگی جلوگیری کنند و حال آنکه تجربه نشان داده که اینطور نیست و باید روی درک یکدیگر و احترام متقابل زوج اندیشید و در روزهای نخستین زندگی آنها را به مسئله ی محبت و وحدت و تفاهم و گذشت ترغیب و تشویق نمود.

امام محمد باقر علیه السلام می فرمود: «من برکه المراه قله مهرها و من شومها کثره مهرها» (وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۰) از برکت زن کمی مهر او و از شومی زن زیادی مهر است.

نقطه ی مقابل اشخاصی هستند که می خواهند اصلا مهری در کار نباشد و یا بسیار ناچیز باشد و البته اینهم کار درستی نیست.

حضرت مولا علی علیه السلام می فرمود: «انی لا کره ان یکون المهر اقل من عشره دراهم» من کراهت دارم که مهریه از ده درهم کمتر باشد.

پس در یک جمع بندی مهریه باید باشد ولی متعارف و معمولی، زیرا مسابقه در ازدیاد مهریه زندگی را بر جوانان سخت می کند و مانعی سر راه ازدواج آنها می گذارد.

عقیده بر اینست که با آسان گرفتن امر ازدواج جوانان، آنها تشویق به تشکیل خانواده می شوند و از بسیاری فسادها و آلودگیهای اجتماعی درامان می مانند.

مهریه ی فاطمه

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم که خود اسوه ی حسنه ی امت است برای آنکه عملا به مردم بفهماند که مهرهای سنگین صلاح ملت نیست دختر عزیزش را با مهریه ای بسیار مختصر به عقد علی بن ابیطالب علیه السلام درآورد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس از کسب اجازه از فرزندش فاطمه علیهاالسلام به نزد علی علیه السلام آمد و با لبی خندان فرمود:

«یا ابالحسن فهل معک شیئی ازوجک به؟» یا ابالحسن آیا برای عروسی چیزی داری؟ پاسخ داد: پدرم و مادرم فدایت شما از وضع من کاملا اطلاع دارید. تمام ثروت من عبارت است از یک شمشیر، یک زره و یک شتر. فرمود: تو مرد جنگ و جهادی و بدون شمشیر نمی توانی در راه خدا جهاد کنی، شمشیر از لوازم و احتیاجات تو است. شتر نیز از ضروریات زندگی تو محسوب می شود. باید به وسیله ی آن آبکشی کنی و وضع اقتصادی خودت و خانواده ات را تامین کنی و برای اهل و عیالت کسب روزی نمائی، و در مسافرت بارت را بر آن حمل نمائی، تنها چیزی که می توانی از آن صرف نظر کنی همان زره است منم به تو سختگیری نمی کنم و بهمان زره اکتفا می نمایم. یا علی اکنون که کار بدینجا رسید می خواهی بشارتی به تو بدهم و رازی را برایت آشکار سازم؟

عرض کرد: آری یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پدر و مادرم فدایت، شما همیشه نیک خوی و خوشزبان بوده اید. فرمود:

پیش از آنکه به نزد من بیایی جبرئیل نازل شد و گفت یا محمد: خدا ترا از بین مخلوقاتش برگزیده و به رسالت انتخاب کرد. علی علیه السلام را برگزید و برادر و وزیر تو قرار داد. باید دختری فاطمه را به عقد علی علیه السلام درآوری، زیرا که ازدواج آنان در عالم بالا و در حضور فرشتگان برگزار شده است.

«و تبشرها بغلامین زکینین، نجیبین، طاهرین، طیبین، خیرین، فاضلین فی الدنیا والآخرة، یا ابالحسن فوالله ما عرج الملك من عندی حتی دقت الباب» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۱۲۷) خداوند دو فرزند پاک، نجیب، طاهر، طیب، خوب و فاضل در دنیا و آخرت به آنان عطا خواهد فرمود. یا ابالحسن هنوز جبرئیل بالا نرفته بود که تو درب منزل ما را به صدا درآوردی!

در اینکه زره حضرت علی علیه السلام چه مقدار ارزش داشت و آنرا به چه مبلغی فروختند اختلاف است و در حدیثی که کلینی نقل می کند علی علیه السلام بدستور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنرا فروخت و از پول آن سه قلم جنس تهیه کرد:

۱- یک دست لباس کتان

۲- یک زره

۳- یک پوست گوسفند بود که شبها روی آن می خوابیدند (فروع کافی، ج ۵، ص ۳۷۸)

ابن شهر آشوب پس از نقل چندین روایت درباره ی مقدار مهریه حضرت فاطمه علیها السلام روایتی را نقل می کند که: «انه كان خمسماه درهم» «و هو اصح» (مناقب، ج ۳، ص ۳۵۱) مهریه آن حضرت پانصد درهم بوده و می گوید این قول اصح از اقوال دیگر است.

شخصی به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد ما مهریه ی فاطمه را در زمین دانستیم چه اندازه است، اما مهریه ی او در آسمان چقدر بوده؟

حضرت فرمود: «سل عما یعینک ودع ما لا یعینک» از آنچه به کارت می آید بپرس و آنچه را به کارت نیاید واگذار. آن شخص پافشاری کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «كان مهدها فی السماء خمس الارض فمن مشی علیها مبغضا لها و لولدها مشی علیها حراما الی ان تقوم الساعه» (همان) مهریه فاطمه علیها السلام در آسمان «خمس زمین» یعنی یک پنجم زمین تعیین شده، راه رفتن و تصرف سهم فاطمه علیها السلام بر مبغضین و دشمنان آن حضرت و فرزندانش تا روز قیامت حرام است.

روایت جالبی از طریق اهل سنت در این باره نقل شده که فاطمه علیها السلام از پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواست تا مهریه ی او را شفاعت گنهکاران امت آن حضرت در روز قیامت قرار دهد و این درخواست مورد قبول قرار گرفت!

«فنزله جبرئیل علیه السلام و معه بطاقه من حریر مکتوت فیها: «جعل الله مهر فاطمه الزهراء شفاعه المذنبین من

امه ابیها» (اخبار الدول طبع بغداد، ص ۸۸)

جبرئیل نازل شد و ورقه ای از حریر آورد و این مهریه در آن نوشته شده بود و بدنبال آن آمده که چون هنگام مرگ زهرا علیهاالسلام رسید وصیت کرد آن ورقه را در کفنش روی سینه ی او بگذارند و فرموده چون روز قیامت محشور شوم این ورقه را بدست گرفته و از گنهکاران امت پدرم شفاعت کنم.

جهیزیه

از جمله سنن اسلامی موضوع جهیزیه است که هر دختر از خانه ی پدر و مادر وسایل یک زندگی مستقل را به خانه ی شوهر می برد که در بعضی خانواده ها مرسوم است از همان سالهای نخستین و دوران کودکی دختر، در تدارک اسباب و وسایل زندگی او بعنوان جهیزیه هستند. و چقدر خوبست که تهیه جهیزیه براساس چشم و هم چشمی و رقابت با فامیل و دیگران نباشد و باعث آن نشود که والدین دختر بالأجبار به حرام بیفتند.

همانطور که در مسئله مهریه اشاره شد مهریه ی سنگین و جهیزیه ی بی حد و حساب سبب خودداری جوانان از تشکیل خانواده و ازدیاد روزافزون جوانان بی زن و دختران بی شوهر و در نتیجه کثرت و جرائم و جنایات جنسی خواهد شد.

همانطور که دختر نباید با انگیزه ی مهریه زیاد شوهر کند پسر هم نباید به منظور جهاز مفصل ازدواج نماید و اگر جهاز عروس مقداری نقصان داشت هرروز نباید اسباب اذیت همسر را فراهم سازد و با سرزنشها و ایرادها بنیان زناشویی را متزلزل گرداند.

جهیزیه ی حضرت زهرا

در بحث مهریه گذشت که امیرالمؤمنین علی علیه السلام زره خود را مهریه حضرت زهرا علیهاالسلام قرار داد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام دستور داد تا آن را بفروشد و پولش را تقدیم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نماید. علی علیه السلام هم این کار را کرد و پول زره را که در حدود پانصد درهم بود خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آورد و در دامان آن حضرت ریخت.

علی علیه السلام می فرماید: وقتی پولها را در دامن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ریختم «فلم یسالنی کم هی و لا انا اخبرته» نه پیغمبر از من پرسید که این پولها چقدر است و نه من به او چیزی در این باره گفتم، در این وقت یک مشت از آن پولها را به بلال داد و گفت:

«بتع لفاطمه طیبا» برای فاطمه عطری خریداری کن و دو مشت دیگر هم از آن پولها برداشت و به دیگری داد تا اسباب خانه و لوازم زندگی و لباس و به اصطلاح جهیزیه ای برای زهرا سلام الله علیها تهیه کند.

عمار بن یاسر با عده ای از اصحاب بدین منظور به بازار رفتند و آنچه را که تهیه کردند عبارت بود از:

- ۱- یک قواره پیراهن به هفت درهم
- ۲- یک عدد روسری بزرگ به چهار درهم
- ۳- یک حوله ی سیاه خیبری
- ۴- یک تخت خواب که با برگ درخت خرما بافته شده بود.
- ۵- دو عدد تشک کتانی از «کتانهای مصر» که درون یکی از آنها از لیف خرما و درون دیگری از پشم گوسفند پر شده بود.
- ۶- چهار عدد بالش از پوست میش «از پوستهای طائف» مکه که از گیاه خوشبوئی بنام «أذخر» پر شده بود.
- ۷- یک تخته پرده ی پشمی.
- ۸- یک قطعه حصیر.
- ۹- یک عدد دست آس برای آرد کردن جو و گندم.
- ۱۰- یک طشت مسی برای لباسشوئی.
- ۱۱- یک عدد مشک چرمی برای آبکشی.
- ۱۲- یک بادیه ی بزرگ برای دوشیدن شیر.
- ۱۳- یک ظرف چرمی برای آب.
- ۱۴- یک آفتابه ی گلی لعابی شده.

۱۵- یک سبوی گلی سبز.

۱۶- دو عدد کوزه ی سفالین.

۱۷- یک قطعه پوست چرمی برای فرش.

۱۸- یک چادر از پارچه های بافت قطر.

کسانی که برای خرید جهیزیه به بازار رفته بودند اشیا، فوق را برداشته به خانه ی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آوردند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یک یک آنها را برمی داشت و پشت و روی آن را می دید و می گفت: «بارک الله لاهل البیت» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۹۴) خدا برای اهل بیت مبارک کند.

اکنون ببینیم علی بن ابیطالب علیه السلام از اثاث خانه برای زندگی با زهراء علیهاالسلام چه وسائلی را تهیه کرد. «وكان من تجهيز علي داره انتشار رمل لين و نصب خشبه من حائط للثياب، و بسط اهات كبش و مخده ليف» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۱۱۴). ابتدا مقداری شن نرم «ماسه» کف اطاف پهن کرد و چوبی هم تهیه نمود و یک سر آن را به این طرف دیوار و سر دیگرش را به آن طرف دیوار نصب نمود تا لباسهای خود را روی آن بیندازد و یک پوست گوسفند هم کف اطاق انداخت و یک بالش نیز که داخلش را از ليف خرما پر کرده بودند در اطاق نهاد.

جشن ازدواج

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «ان من سنن المرسلین الاطعام عند التزویج (وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۶۴) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: از جمله سنن پیامبران ولیمه دادن و اطعام برای ازدواج است. یکی از سفارشان معصومین علیهم السلام درباره ی ازدواج دادن طعام و ولیمه است که به احتمال زیاد برای رسمیت بخشیدن به امر ازدواج می باشد. البته به شرط آنکه تکلف آور و باعث زحمت نباشد و بهمین علت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ولیمه عروسی را دربار اول مستحب و سنت مرتبه دوم برای کرامت و بزرگواری و بار سوم را نشانه ی تظاهر و خودنمایی می دانند.

«الولیمه اول یوم حق، والثانی معروف، و ما زاد ریاء وسمعه» (وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۶۵)

نکته ای که بیش از هر چیز در مجالس جشن و عروسیها باید بدان توجه شود این است که جشن ازدواج در عین حالی که باید همراه با شادی و سرور باشد اما مبادا شیاطین جنی و انسی در آن دخالت کنند و مجالس عروسی و جشنهای ازدواج را به یک کانون فساد و فحشاء و جنگ با خدا تبدیل کنند و خدا را از یاد ببرند و حال آنکه جشن ازدواج به تعبیری دیگر جشن شکرگزاری از نعمات پروردگار است. بنابراین عروس و داماد و خانواده های آنها بیش از گذشته بیاد خدا باشند و خداوند تبارک و تعالی را به این نعمت وصلت و پیوند زناشوئی سپاسگزاری کنند.

به همین مناسبت است که در روایات وارد شده عروس و داماد وضو بگیرند دو رکعت نماز بخوانند و خدای را بر این نعمت عظمی که برای آنها فراهم آورده شکر کنند تا انشاءالله سنگ اول ساختمان زندگی با یاد و ذکر خدا بنیان شود و ثمره این زندگی نیز مورد رضای خداند تبارک و تعالی قرار گیرد.

عروسی فاطمه

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: «ادع الناس» قال علی علیه السلام: «جئت الی الناس فقلت اجیبوا الولیمه، فاقبلوا»

مردم را دعوت به عروسن کن، علی علیه السلام می فرماید من هم نزد مردم رفتم و آنها را به ولیمه عروسی دعوت کردم آنها هم قبول کردند. اسباب پذیرائی توسط جمعی از اصحاب و شخص پیامبر تهیه شد چرا که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: در عروسی باید ولیمه داده شود، من دوست دارم امتم در عروسی ها ولیمه بدهند. سعد که در مجلس حاضر بود عرض کرد من یک گوسفند برای جشن شما تقدیم می کنم.

گروهی دیگر از اصحاب نیز در حدود توانائی خودشان کمک کردند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به بلال فرمود: یک گوسفند بیاور و به علی علیه السلام فرمود: حیوانی ذبح کن و ده درهم پول به او داد و فرمود: قدری روغن و خرما و کشک تهیه کن. نان هم تهیه نمودند.

چون جمعیت مدعوین زیاد بود و وسائل پذیرائی نداشتند پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور داد مهمانان جشن، ده نفر ده نفر داخل شوند و غذامیل کنند. در آن جشن تاریخی عباس و حمزه عموهای پیغمبر و علی بی ابیطالب علیه السلام و برادرش عقیل از مهمانان پذیرائی می نمودند.

سفره ای گسترده و اصحاب ده نفر ده نفر داخل می شدند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با دست مبارک غذا می کشید و نزد مهمانان می نهادند وقتی سیر می شدند بیرون می رفتند و ده نفر دیگر داخل می شدند. بدین منوال گروه کثیری غذا خوردند و به برکت دست رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همه سیر شدند. سپس دستور دادند بقیه ی غذاها را به خانه ی فقرا و بیچارگانی که از حضور در مجلس ولیمه معذور بودند ببرند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور دادند یک ظرف غذا هم برای فاطمه و علی علیه السلام کنار بگذارند و فرمود: «هذا الفاطمه و بعلها» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۱۳۲)

فاطمه به خانه علی می رود:

مدعوین به گرمی پذیرائی شدند و مراسم ولیمه پایان یافت و وقت آن رسید که فاطمه علیها السلام را مشایعت کنند تا به خانه ی شوهر برود.

زنان پیغمبر فاطمه را زینت کردند، عطر و بوی خوش بر او پاشیدند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی علیها السلام را احضار کرد و در جانب راست خود نشانید، فاطمه علیها السلام را نیز در طرف چپ نشانید، سپس عروس و داماد را به سینه ی خودش چسبانید، پیشانی هر دو را بوسه داد، دست نوعروس را گرفت و در دست داماد گذاشت و به او فرمود:

فاطمه همسر خوبی است و به فاطمه علیها السلام فرمود: علی علیه السلام شوهر خوبی است و در حق آنها دعا کرده و چنین گفت:

«للهم انهما منی وانا منهما، اللهم كما اذهب عنی الرجس و تطهیرتی تطهیرا فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا» خدایا این دو از منند و من از آن دو هستم، خدایا همان گونه که پلیدی را از من دور نموده ای از این دو دور گردان و به خوبی پاکیزه شان فرما.

«قوما الی بیتکما جمع الله بینکما و بارک فی سیرکما واصلح بالکما» (احقاق الحق، ج ۱، ص ۴۱۶)

برخیزید به سوی خانه تان خدا شما را به هم الفت دهد و در زندگی برکت عنایت نماید و مشکلات شما را اصلاح کند. بهر حال مراسم خداحافظی انجام گرفت سپس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم روی به زنان فرمود: عروس و داماد را با شور و شادی به حجله ببرید ولی چیزی نگوئید که خدا ناراضی گردد. زنان پیغمبر با شور و شادی، الله اکبر گویان، فاطمه و علی علیه السلام را تا حجله ی عروسی مشایعت نمودند و هر کدام اشعاری را زمزمه می کردند که از جمله حفصه می خواند که:

فاطمه خیر نساء البشر

و من لها وجه کوجه القمر

فضلک الله علی کل الوری

بفضل من خص بای الزمر

زوجک الله فتی فاضلا

اعنی علیا خیر من فی الحضر

فسرن جاراتی بها انها

کریمه بنت عظیم الخطر

ترجمه:

فاطمه بهترین زنان بشر آن دختری که رویش چون قرص ماه درخشندگی دارد.

خدایت بر همگان برتری داد به فضیلت آن کس که به آیات قرآنی او را مخصوص گردانید.

خدای تعالی تو را به ازدواج جوانی فاصل درآورد و منظورم همان علی است که بهترین مردان است.

ای زنان در رکاب فاطمه به راه افتید که به راستی او عروسی بزرگوار و دختر شخصیت بزرگی است.

و ام سلمه نیز اشعاری در مراسم عروسی فاطمه علیها السلام سرود که:

سرن بعون الله جاراتی

واشكرنه فى كل حالات
واذكرن ما انعم رب العلى
من كشف مكروه و آفات
فقد هداانا بعد كفر و قد
انعشنا رب السماوات
و سرن مع خير نساء الورى
تفدى بعمات و خالات
يا بنت من فصله ذوالعلى
بالوحى منه والرسالات(مجلسى، ج ۴۳، ص ۶۳)
ترجمه:

ای زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نزدیکان من به کمک خدا حرکت کنید و در همه حال او را سپاسگزای کنید.

نعمت پروردگار را به یاد آرید که ناراحتیها و آفات را از ما دور کرد. و براستی ما را پس از گرفتاری در ظلمت کفر به نور اسلام هدایت فرمود و پروردگار آسمانها والا و برزگمان گردانید.
با بهترین زنان جهان حرکت کنید که عمه و خاله ها به فدایش.

ای دختر آن کسی که پروردگار برتر، او را به وسیله ی وحی و رسالتهای خویش بر دیگران برتری داد؟

همسرداری

«قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: حق الرجل على المرأه اناره السراج واصلاح الطعام وان تستقبله عند باب بيتها فترحب به و ان لاتمنعه نفسها الا من عله»(مكارم الاخلاق، ص ۲۴۶)

حق مرد بر زن آنست که زن چراغ را برای شوهر روشن کند، غذای مناسب برایش طبخ نماید و از درب خانه، شوهر را استقبال نموده و به او خوشامد بگوید و در هنگام تقاضای او مگر در مواقعی که عذر شرعی دارد امتناع نوزد.

محیط زناشویی آن وقت برای زن و شوهر محل آرامش و سکون است که هر کدام بنوبه ی خود به وظایف شرعی و اخلاقی خویش عمل کنند و اگر در این جزوه فقط به حقوق شوهر و مسئله، شوهرداری اشاره می شود از این جهت است که بحث منحصر در زمینه ی بانوان مکرمه و مقتدایشان فاطمه ی زهرا علیهاالسلام است. علاقمندان برای اطلاعات بیشتر نسبت به حقوق متقابل زن و شوهر می توانند به کتاب «خانواده در مکتب قرآن و اهل بیت علیهم السلام» که توسط انجمن اولیاء و مربیان بچاپ رسیده مراجعه فرمایند.

دامنه ی حقوق شوهر و یا به تعبیر دیگر وظایف زن در قبال شوهر بر اساس قواعد و ضابطه های اسلامی عبارت است از تمکین در مضاجعت، اطاعت و فرمانبرداری در چارچوب ضوابط شرعی نه بر پایه هوسهای شوهر، حفظ عفت و پاکی خود، آرایش و آراستن خود فقط برای شوهر، مدیریت در محیط خانه خوش روئی و ترک تند خوئی و غیره.

بی تردید اگر در بعضی خانواده ها دیو نزاع و جنگ با قیافه ی وحشتناکش حاکم است عواملی دارد که از جمله آنست که بانوان رسالت و مسئولیتی که بر عهده دارند بخوبی انجام نمی دهند.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره ی مراعات نکردن بعضی از حقوق شوهر نقل شده که:

نهی ان تخرج المراه من بیتها بغیر اذن زوجها فان خرجت لعلها کل ملک فی السماء و کل شیئی تمر علیه من الجن والانس حتی ترجع الی بیتها، و نهی ان تتزین لغیر زوجها فان فعلت کان حقا علی الله ان یحرقها بالنار(وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۱۱۵) نهی فرمود که زن بدون اجازه ی شوهر از خانه خارج شود و اگر خارج شد تا وقتی که مراجعت نماید تمام ملائکه در آسمان و بر هر که از جن و انسان عبور کند بر او لعنت می فرستند. و نیز نهی فرمودند که زن برای غیر شوهرش خود را آرایش کند و اگر چنین کرد بر خداست که او را به آتش بسوزاند.

آری زن شایسته ی مسلمان اگر می خواهد پیرو راستین مکتب فاطمه علیهاالسلام باشد باید همه ی مسائل و نکاتی را که جزء وظایف او به حساب می آید با دقت انجام دهد. زن عاقله همواره مونس شوهر و مصاحب و همدم با وفائی برای او خواهد بود.

امام صادق علیه السلام می فرماید یکی از خانمهای مسلمان به محضر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شد و عرض کرد که: ماحق الرجل علی المراه؟

حق شوهر بر همسرش چیست؟

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: روزه های مستحبی را بدون اجازه ی او نگیرد، هرگاه خواست از خانه بیرون رود با اجازه ی شوهر باشد، با بهترین عطرها خود را برای او خوشبو کند، تمیزترین و بهترین لباسش را برای او بپوشد، و خود را بأحسن وجه بخاطر او زینت کند و بالاخره تعرض نفسها علیه غدوه و عشیه» شب و روز خود را در اختیار شوهرش بگذارد(فروع کافی، ج ۵، ص ۵۰۸)

خلاصه آنکه زن شایسته در همه حال همراه شوهر است، با دار و ندارش می سازد، غیرتمندی او را تحمل می کند، آبروی او و خود را حفظ می نماید. با چهره ی درهم و عبوس با او برخورد نمی کند و سختیهای زندگی را برای رضای خداوند تبارک و تعالی به جان می خرد چون خوب می داند که اگر جهاد در میدان کارزار برای او تعیین نشده جهاد وی طبق بیان معصوم علیه السلام «حسن التبعل» یعنی خوب شوهرداری است.

همسرداری فاطمه

فاطمه ی زهرا علیهاالسلام از خانه ی نبوت به خانه ی ولایت قدم گذارد و طبعا در این خانه وظایف و مسئولیتش سنگین تر شد. حضرت او عملا به تمامی زنان اسلام درس شوهرداری، خانه داری و بچه داری را آموخت. زوج جوان یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام در سن بیست و یک سال و فاطمه در سن نه سال و سه ماه در تاریخ اول یا ششم ذی الحجه سال دوم یا سوم هجری زندگی جدید خود را آغاز کردند(مناقب، ج ۳، ص ۳۴۹)

در تمام تاریخ خانه ای را سراغ ندارید که دو عضو اساسی آن خانه یعنی زن و شوهر هر دو معصوم و دارای مرتبه ولایت و در کمالات معنوی انسان کامل باشند.

خانه ی علی و فاطمه علیهماالسلام کانون صفا و مهر است، زن و شوهر در نهایت صداقت در اداره ی زندگی هم دل و همکار یکدیگرند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از همان روزهای نخستین زندگی کارها را تقسیم کرد و فرمود کار بیرون خانه با علی بن ابیطالب علیه السلام و کارهای داخل خانه با فاطمه علیهاالسلام.

«فقلت فاطمه: «فلا يعلم ما داخلنی من السرور الا الله باکفائی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تحمل رقاب الرجال (مجلسی، ج ۴۳، ص ۸۱)

فاطمه علیهاالسلام می فرماید: خدا می داند که من چقدر از این مطلب خوشحال شدم که کارهای خارج خانه به عهده ی من نیفتاد تا مجبور شوم با مردها برخورد داشته باشم!

حضرت زهرا علیهاالسلام تمام تلاش خود را برای زندگی سالم و مورد رضای شوهر انجام می داد تا حدی که علی علیه السلام در توضیح شرح حال اوضاع خانه اش به یکی از اصحاب فرمود: «الا احدثک عنی و عن فاطمه» آیا می خواهی از وضع خودم و فاطمه برای تو تعریف کنم؟ حضرت فاطمه علیهاالسلام آنقدر در خانه ام آب آورد که آثار مشک بر بدنش دیده می شد. آنقدر آسیا می کرد، که دستهایش تاول می زد. آنقدر در نطافت و تمیز کردن و روفتن خانه و پختن نان و غذا زحمت می کشید که لباسهایش کثیف می شد. بدین جهت کار بر او سخت شد. گفتم خوب است خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بررسی و جریان را برایش بیان کنی شاید خادمی برایت تهیه کند تا در امور خانه داری به تو کمک کند.

فاطمه علیهاالسلام خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رسید. دید با گروهی از اصحاب صحبت می کند خجالت کشید حاجتش را اظهار کند بدون عرض حاجت به خانه برگشت. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم احساس کرد که فاطمه حاجتی داشته، لذا بامداد روز بعد به منزل ما تشریف آورد سلام کرد، پاسخ دادیم، داخل خانه شد و نزد ما نشست فرمود:

«یا فاطمه: ما کانت حاجتک امس عند محمد؟»

فاطمه جان: دیشب به چه منظور به نزد ما آمدی؟

فاطمه علیهاالسلام خجالت کشید حاجتش را بگوید، من عرض کردم: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه آنقدر آب آورده که بند مشک در سینه اش اثر گذاشته، آنقدر آسیا گردانیده که دستهایش آبله کرده، آنقدر در نظافت خانه کوشیده که لباسهایش گرد آلوده و کثیف شده من گفتم: خدمت شما برسد شاید خادم و کمک کاری به وی عطا کنی.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «افلا اعلمکما ما هو خیر لکما من الخادم» می خواهید به شما عملی را تعلیم کنم که از خادم بهتر باشد؟

وقتی خواستی بخوابی سی و سه مرتبه بگو: سبحان الله، سی و سه مرتبه بگو: الحمدلله، سی و سه مرتبه بگو: الله اکبر.

در این بین فاطمه علیهاالسلام سر را بلند کرد سه مرتبه گفت: «رضیت عن الله و رسوله» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۸۲) راضی به رضای خدا و رسول او هستم.

در حدیث دیگر جابر بن عبدالله انصاری علیه الرحمه چنین نقل می کند که: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه را دید که لباس کم ارزشی پوشیده و با دستش آسیا می کند و بچه اش را در دامن نهاده شیر می دهد. از دیدن این منظره اشکش جاری شد و فرمود: دختر عزیزم سختی و مرارت دنیا را بچش تا به شیرینی نعمتهای آخرت نائل گردی.

عرض کرد: یا رسول الله، خدا را بر نعمتهایش سپاس می گویم. آنگاه این آیه نازل شد. «ولسوف یعطیک ربک فترضی» (الضحی / ۵) خدا در قیامت آنقدر به تو عطا می کند که راضی شود.

یک روز بلال از وقت معمول دیرتر به نماز صبح حاضر شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم علت دیر آمدن را پرسید. عرض کرد وقتی به مسجد می آمدم از منزل فاطمه علیهاالسلام عبور کردم دیدم مشغول آسیا کردن است و بچه اش گریه می کند. عرض کردم: ای دختر پیغمبر یکی از کارهایت را به من واگذار کن. تا شما را کمک کنم. فرمود: بچه داری از من بهتر ساخته است اگر میل داری در آسیا گرداندن کمک کن من آسیا کردن را به

عهده گرفتم از این جهت دیرتر به مسجد آمدم. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «رحمتها رحمک الله» (همان) به فاطمه ترحم کردی خدا به تو ترحم کند.

حضرت زهرا علیها السلام در آن خانه ی محقر همه مشکلات و سختیها را تحمل کرد تا خانه را آسایشگاه و محل آرامش همسر بزرگوارش قرار دهد و به همین علت بود که هر وقت امیرالمؤمنین علی علیه السلام از میدان مبارزات و برخورد با حوادث و مسائل خارج منزل خسته می شد به محل امن خویش پناه می برد تا تجدید نیرو کند و خودش را برای کار انجام وظایف آماده سازد.

چندین بار اتفاق افتاد که امیرالمؤمنین علی علیه السلام از میدان نبرد با بدن خونین و مجروح به خانه آمد و همسر مهربانش در نهایت لطف و صمیمیت زخمهای تنش را پانسمان کرد، لباسهای خون آلود رزمش را شست. زهرا ی اطهر علیها السلام غیر از لباسهای شوهر گاهی لباسای خون آلود پدرش را نیز شستشو می داد.

در روایت است که: فلما انتهى رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ناول سیفه ابنته فاطمه فقال اغسلی عن هذا دمه یا بنیه و ناولها علی ابن ابیطالب سیفه فقال و هذا ایضا، فاغسلی عنہ دمه (سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۱۰۶). هنگامی که رسول الله از جنگ احد برگشت شمشیرش را به فاطمه علیها السلام داد و فرمود: خونهایش را بشوی و علی بن ابیطالب علیه السلام نیز شمشیرش را به فاطمه داد و فرمود: خونهایش را بشوی. آری فاطمه علیها السلام هرگز کار خلاف انجام نداد و هیچوقت کاری نکرد که باعث غضب شوهر شود. در این باره شخص مولا علیه السلام می فرماید:

به خدا قسم بعد از ازدواج با فاطمه علیها السلام تا هنگام مرگ او هرگز کاری نکردم که فاطمه غضبناک شود و فاطمه هم هیچگاه مرا خشمناک ننمود و از دستوراتم سرپیچی نکرد «ولقد كنت انظر اليها فتنجلي عنی الغموم والاحزان بنظرتی اليها» (مناقب خوارزمی، ص ۲۵۶) و هرگاه به خانه می آمدم و به زهرا علیها السلام نگاه می کردم تمام غم و غصه هایم برطرف می شد.

تعلیم و تربیت فرزند

اگر بگوئیم که تعلیم و تربیت فرزند از همان زمان بارداری مادر شروع می شود سخن بیهوده ای نیست چرا که همه ی وجود بچه از عصاره ی جسم و جان مادر رشد و نمو می کند و روایتی که در گذشته بدان اشاره رفت یعنی السعید سعید فی بطن امه والشقی شقی فی بطن امه خود مؤید این مطلب است. یکی از وظایف سنگین و مهم زن موضوع بچه داری و تربیت اولاد است که بدون شک اگر این مسؤلیت خطیر را درست انجام دهد بالاترین أجر و پاداش را خواهد برد.

تربیت اولاد باید در محیط سالم و دور از هوسبازیها انجام گیرد. مادر که در این زمینه نقش اول را ایفاء میکند باید توجه داشته باشد چه در دوران بارداری و چه مواقع شیر دادن فرزند حتما غذایش پاک و سالم باشد در هر مجلسی شرکت نکند، سعی کند از شیر خود به او بدهد، پستان نجس به دهان او نگذارد و حتی فکر و روحیات خود را از خطرها و آلودگی ها دور سازد، زیرا که اعمال و افکار او دخالت مستقیم در سرنوشت فرزند دارند. اشار به مسئله شیر دادن شد، گفتن این نکته لازم است که هیچ نوع غذاها در ماههای نخست کودک بهتر او شیر مادر نیست.

علی علیه السلام فرمود: «ما من لبن رضع به الصبی اعظم برکه من لبن امه» (وافی، ص ۲۰۷) هیچ شیری برای بچه ی شیر خواره ارزشمندتر از شیر مادر نیست. بعضی از زنان خودخواه که بدون هیچ عذر و بهانه ای نوزاد عزیز خود را از شیر می گیرند، یا خبر از فساد عمل زشت خود ندارند و یا آنکه می دانند و آگاهانه تیشه به ریشه ساختمان وجود فرزند خویش می زنند!

مادر ضمن آنکه خود در بسیاری از امور خانه رئیس و سرپرست است، در اغلب موارد قائم مقام پدر بخصوص در امر تعلیم و تربیت فرزندان نیز هست و آنهم به این جهت است که اکثر پدران به علت گرفتاریهای بیرون خانه وقتی برایشان باقی نمی ماند که به وضع فرزندانشان برسند.

خلاصه آنکه مادر باید محیط خانه را محل امنی برای رشد همه جانبه ی ابعاد وجودی کودک کند و این جز در سایه ی همت عالی والدین و بخصوص مادر میسر نیست.

حضرت فاطمه و فرزندان

زهراى اطهر عليهاالسلام داراى پنج فرزند: حسن، حسين، زينب، ام كلثوم و محسن عليهم السلام. فرزند پنجم ايشان كه محسن نام داشت با سكوت جبت و ضربه ي طاغوت به شهادت رسيد.

اگر چه فرزندان آن حضرت از افراد عادى نبودند و هر کدام از بدو تولد و بلکه در شكم مادر صاحب مقامات و کمالات بودند در عين حال فاطمه عليهاالسلام در مقام تعليم و تربيت آنها بود و نهايت مراقبت را نسبت به آنها مبذول داشت.

حضرت زهرا عليهاالسلام امام حسنى را در دامن خود پرورش مى دهد كه در موقع حساس با صبر و مظلوميت خود تمامى زحمات جد و پدر را حفظ مى كند و با صلح و سكوت خود كمر بنى اميه و هر چه ستمگر را مى شكند.

فاطمه عليهاالسلام امام حسيني را در دامن خود پرورش مى دهد كه بايد يك روز به داد اسلام برسد، جان خود و عزيزانش را فدائى اسلام و قرآن نمايد، سر سلسله ي مردم آزاده ي جهان شود و اين جمله را با خون مقدس خویش در صفحه ي تاريخ بنويسد كه بايد بشر از قيد بندگى غير خدا رهائى يابد و تا مرز شهادت براى حفظ شرف و عزت ايستادگى كند.

زهراى مرضيه عليهاالسلام در محيط خانه دخترانى چون زينب و ام كلثوم پرورش داده كه بوسيله ي افشاگرىهايشان دستگاه ظلم بنى اميه و يزيديان را رسوا و مفتضح سازند.

حضرت او زينبى را ساخته كه قهرمانى او زبانزد خاص و عام است. زينبى كه آئينه ي تمام نماى مادر بود، شجاعت مادر، حلم و صبر مادر، علم و تقواى مادر و بالاخره ايستادن در برابر غاصبين حقوق آل محمد صلى الله عليه و آله و سلم را همه و همه از مادر ارث برده است.

آرى زينب عليهاالسلام در دانشگاه فاطمه عليهاالسلام آموخت كه چگونه بايد دولتهاى ستمگر را رسوا نمود و جلو مقاصد شوم آنها را گرفت.

طلب علم

«العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء» (حکمت الهی، ج ۲، ص ۵۵) علم نوری است که خداوند در قلب هر که بخواهد تابش دهد.

مکتب اسلام برای علم و آگاهی و بینش دینی ارزش فرازان قائل است و آنرا شرط لازم برای سعادت و نیکبختی مرد و زن می داند. بهمین جهت طلب علم را بر مسلم و مسلمه فرض دانسته و به عناوین مختلف مشوق و ترغیب کننده ی مسلمین به فراگرفتن علوم بوده است.

یک بانوی مسلمان قبل از هر چیز باید بداند که خداوند تبارک و تعالی چه تکالیف شرعی در امور مختلف زندگی برایش معین فرمود، مبدا از علوم اصلی باز بماند و به علوم فرعی و فضولات پردازد و عمر عزیز و گرانمایه ی خویش را صرف مطالبی کند که هیچ گاه تا آخر زندگی به کار نمی آید و به او هیچ گونه ارتباطی ندارد.

خلاصه آنکه باید گم شده ی خانمهای مسلمان آن علمی باشد که نور آفرین و روشن کننده ی دل است «یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اتوا العلم درجات» (مجادله ۱۱) خداوند درجات اهل ایمان و اهل علم را بالا می برد. مرحوم علامه ی طباطبائی در ذیل آیه می فرماید: قرینه ی عقلیه حکم می کند که: «ان المراد بهولا الذین اتوا العلم العلماء من المؤمنین» (طباطبائی، ج ۱۹، ص ۲۱۶) مراد از صاحبان علم علماء با ایمان می باشند.

«العلم علمان: علم فی القلب فذلک العلم النافع و علم فی اللسان فذلک حجه علی العباد» (مجلسی، ج ۲، ص ۳۷) علم دو گونه است: یکی علمی که مربوط به دل تو است که این علم نافع و مفید است و دیگری علمی است در زبان که این حجت و دلیل بندگان خداست.

جدا در میان همه ی علوم موجود در جهان ضروری ترین علم کدامست؟ بهتر است از بیان امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام استفاده کنیم که فرمود: «الزم العلم مادلک علی صلاح قلبک و اظهر لک فساد» (مستدرک، ج ۲، ص ۳۵۵) لازم ترین علمها برای تو آن علمی است که دل و ضمیر وجودت را اصلاح کند و فساد اخلاق ترا ظاهر سازد.

علم فاطمه

امام صادق علیه السلام در تفسیر ليله ی قدر فرمود: «انا انزلناه فی ليله القدر، الليله فاطمه والقدر الله، فمن عرف فاطمه حق معرفتها فقد ادرك ليله القدر وانما سميت فاطمه لان الخلق فطموا عن معرفتها» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۶۵) فاطمه ليله ی و قدر الله است، هر کس فاطمه را به همانگونه که هست بشناسد، به تحقیق ليله قدر را درک کرده است و فاطمه را بدان جهت فاطمه نامیدند زیرا مردم قدرت ندارند حقیقت او را درک کنند.

حارثه بن قدامه می گوید یک روز سلمان از قول عمار یاسر خبر شگفت انگیزی را برایم نقل کرد.

گفت: شاهد بودم که روزی علی بن ابیطالب علیه السلام وارد منزل شد، فاطمه علیها السلام فرمود: یا علی بیا نزدیک «لاحدثک بما کان و بما هو کائن و بما لم یکن الی یوم القیامه حین تقوم الساعه» تا از حوادث گذشته و حال و آینده تا روز قیامت برایت سخن بگویم. «قال عمار فرایت امیر المؤمنین علیه السلام یرجع القهقری فرجعت برجوعه اذ دخل علی النبی صلی الله علیه و آله و سلم»

عمار می گوید: دیدم امیر المؤمنین علیه السلام عقب، عقب قدمها را برداشت و با شگفتی از سخن فاطمه علیها السلام به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شد و سلام کرد و نزدیک آن جناب نشست.

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «تحدثنی ام احدثک؟ قال الحدیث منک احسن یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم»

یا علی تو آغاز به سخن می کنی یا من بگویم؟ حضرت علی علیه السلام عرض کرد: سخن از شما شنیدن بهتر است.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: گویا فاطمه به شما چنین و چنان گفت و به همین جهت به نزد من مراجعت کردی؟ حضرت علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله مگر نور فاطمه هم از سنخ نور ما است؟ فرمود: مگر نمی دانستی؟

امیرالمؤمنین از شنیدن این سخن به سجده ی شکر افتاد و خدای را سپاس گفت. سپس به نزد فاطمه علیهاالسلام مراجعه کرد. حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود: یا علی! گویا نزد پدرم رفتی و آن حضرت چنین و چنان فرمود؟ علی علیه السلام فرمود: آری ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، فاطمه علیهاالسلام فرمود:
یا ابالحسن خدا نور مرا آفرید و خدای را تسبیح می گفت. آنگاه او را در یکی از درختان بهشتی به ودیعه نهاد. آنگاه پدرم داخل بهشت شد از جانب خدا مأموریت یافت که از میوه های آن درخت تناول کند، پدرم از میوه ی آن درخت خورد و بدین وسیله نور من به صلب او منتقل گشت. و از صلب پدر به رحم مادر وارد شدم و من از آن نور هستم.

«اعلم ما کان و ما یکون و ما یکن یا ابالحسن المؤمن ینظر بنور الله تعالی» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۸) من حوادث گذشته و آینده را بوسیله ی آن نور می دانم، یا ابالحسن: مؤمن بوسیله ی نور خدا می بیند.
امام حسن عسگری علیه السلام فرمود: زنی خدمت حضرت فاطمه علیهاالسلام شرفیاب شد و گفت: مادر ناتوانی دارم که در امر نمازش به مسأله ی مشکلی برخورد کرده و مرا خدمت شما فرستاد که سؤال کنم، و مسأله را طرح نمود. حضرت فاطمه علیهاالسلام جواب آن مسأله را داد. آن زن برای دومین بار مسأله ی دیگری را پرسید حضرت زهرا علیهاالسلام جوابش را داد. بعد از آن مسأله ی سوم را پرسید و همچنین تا ده مسأله شد. آنگاه آن زن از کثرت سؤال خجالت کشید و عرض کرد:

«لا اشق علیک یا ابنه رسول الله، قالت فاطمه: هاتی و سلی عما بدالك» ای دخت رسول خدا دیگر مزاحم نمی شوم خسته شدید! فاطمه علیهاالسلام فرمود: خجالت نکش هر سؤالی داری بفرما تا جواب دهم من از سؤالات تو خسته نمی شوم، بلکه با کمال میل جواب می دهم. اگر کسی اجیر شود که بار سنگینی را بر بام حمل کند و در وجه آن مبلغ صد هزار دینار اجرت بگیرد آیا از حمل بار خسته می شود؟!

زن پاسخ داد نه خسته نمی شود، زیرا بخاطر آن مزد زیادی که دریافت می کند خسته نخواهد شد.
حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: خدا در برابر جواب هر مسأله آنقدر به من ثواب می دهد که بیشتر از اینکه بین زمین و آسمان پر از مروارید باشد.

با این وجود آیا از جواب دادن مسئله خسته می شوم؟!

«سمعت ابي صلى الله عليه و آله و سلم يقول: ان علماء شيعتنا يحشرون فيخلع عليهم من خلع الكرامات على قدر

كثرة علومهم و جدهم في ارشاد عبادالله حتى يخلع على الواحد منهم الف الف حله من نور»

از پدرم رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم شنیدم که فرمود: علماء شیعه ی ما در قیامت محشور می شوند و

خدا به مقدار علوم آنها و مراتب جدیت و کوششان در راه ارشاد و هدایت مردم به آنان خلعت و ثواب عطا می کند.

حتی به یکی از آنها تعداد یک میلیون حله از نور عطا می فرماید. سپس منادی حق تعالی ندا می دهد: ای کسانی

که ایتم آل محمد صلى الله عليه و آله و سلم را تکفل نمودید در آن هنگام که از امامانشان منقطع بودند. اینان

شاگردان شما و ایتمی هستند که در تحت تکفل علوم شما به دینداری خویش ادامه دادند و ارشاد و هدایت شدند.

به مقداری که در دنیا از علوم شما استفاده کردند به آنان خلعت بدهید.

آنگاه حضرت زهرا علیهاالسلام در دنباله ی فرمایشاتشان فرمودند: ای امه الله یک نخ از این خلعتها هزار هزار مرتبه

بہتر است از آنچه خورشید بر آن می تابد زیرا امور دنیوی با کدورت و گرفتاری آلوده است. اما نعمتهای اخروی

نقص و عیب ندارد (مجلسی، ج ۲، ص ۳)

امام حسن عسکری در حدیث دیگری می فرماید: دو نفر زن که یکی مؤمنه و دیگری از معاندین بود در یک مطلب

دینی با هم نزاع داشتند برای حل اختلاف خدمت حضرت زهرا علیهاالسلام رسیدند و جریان را تعریف کردند.

چون حق با زن مؤمنه بود حضرت فاطمه علیهاالسلام گفتارش را با دلیل و برهان تأیید کرد و بدین وسیله بر زن

معاند پیروز گشت و از این پیروزی شادمان شد. حضرت زهرا علیهاالسلام به زن مؤمنه فرمود: «ان فرح الملائکه

باستظهارک علیها اشد من فرحک و ان حزن الشیطان و مردته بحزنها اشد من حزنها» فرشتگان خدا بیشتر از تو

شادمان شدند و غم و اندوه شیطان و پیروانش نیز بیشتر از غم و اندوه زن معاند می باشد.

سپس امام حسن عسکری می فرماید: خداوند تبارک و تعالی به فرشتگانش فرمود: در عوض خدمتی که فاطمه به

این زن مؤمن کرد بهشت و نعمتهای بهشتی اش را هزار هزار برابر آنچه قبلاً مقرر بود بدارید و همین روش و سنت

را درباره ی هر دانشمندی که با علم و دانش خویش مؤمنی را تقویت کند که بر معاندی پیروز گردد معمول دارید و ثوابش را هزار هزار برابر قرار دهید(همان،ص ۸)

نیایش و عبادت

«اللهم... لا تبتلینی بالکسل عن عبادتک» امام سجاد زین العابدین علیه السلام در دعای مکارم اخلاق عرضه می دارد: بار پروردگارا به بیحالی و کسالت در عبادتت گرفتار مکن کراهت و تنبلی در عبادت حکایت از وضع نابسامان روحی و معنوی انسان می کند، اگر کسی در مناجات و بندگی خداوند تبارک و تعالی کاهلی و سستی می نماید نشان آنست که گره و اشکالی سر راه کمال و ترقی روحانی او ایجاد شده که البته اغلب این موانع حاصل بعضی لقمه ها، مجالستها، هوسرانیها و امثال آنها است و تا موانع برداشته نشود سزاوار مناجات نخواهیم شد.

موانع تا نگردانی ز خود دور

درون خانه ی دل نایدت نور

موانع چون در این عالم چهار است

طهارت کردن از وی هم چهار است

نخستین پاکی از احداث و انجاس

دوم از معصیت و از شر وسواس

سیم پاکی ز اخلاق ذمیمه است

که با وی آدمی همچون بهیمه است

چهارم پاکی سر است از غیر

که اینجا منتهی می گرددت سیر

هر آنکو کرد حاصل این طهارات

شود بی شک سزاوار مناجات

نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: «افضل الناس من عشق العباده فعانقها و احبها بقلبه و باشرها بجسده» (کافی، ص ۲، ص ۸۳) بهترین انسان کسی است که عاشق عبادت خداوند تبارک و تعالی باشد و با آن معانقه کند، بندگی خدا را از صمیم قلب دوست بدارد و با اعضاء و جوارح آن را انجام دهد.

وقتی عشق آمد آتش و حرارتش هر چه غیر خداست می سوزاند و بنده را واله و مشتاق رب کریم می کند به گونه ای که هر لحظه انتظار وقت عبادت را می کشد و شیرین ترین حالات زندگیش موقعی است که دل را به حضرت او وصل کرده و مشغول مناجات و نیایش با معبود و محبوب است. و در این زمان است که محبت طرفینی می شود و خداوند تبارک و تعالی نیز بنده خود را مشمول لطف و محبت خویش قرار می دهد.

«روی انه تعالی اوحی الی بعض المدیقین ان لی عبادا من عبادی یحبونی فاحبهم و یشتاقون الی فاشتاق الیهم و یذکروننی واذکروهم و ینظرون الی وانظر الیهم» (لقاءالله، ص ۱۳۲)

روایت شده که خداوند تبارک و تعالی به یکی از صدیقین، وحی فرمود که در میان بندگان من اشخاصی هستند که مرا دوست می دارند، در نتیجه من هم آنها را دوست می دارم. آنان مشتاق من می باشند و من نیز مشتاق آنها هستم، آنان به یاد منند و من به یاد آنانم. آنها به من نظر دارند و من نیز به آنها توجه و نظر دارم.

آری نشان اشتیاق و شور عشق نسبت به پروردگار متعال پرداختن به عبادت و اهمیت دادن به آنها است و در این مقال چون بیشتر به مسائل مربوط به زنان مسلمان پرداخته شده، تذکر این نکته هم لازم است که بانوان محترمه باید بیش از آقایان در مورد عبادات و خصوصا نماز احساس مسئولیت کنند بدین جهت که چند روزی را در ماه به حکم شریعت مقدس اسلام نماز از آنها برداشته شده است. اولاً در ایامی که جایز است نماز بخوانند رعایت اوقات فضیلت نماز و آداب و تعقیبات آن را کرده و ثانیاً در چند روز عادات ماهانه سجاده را به کناری نگذارند و با نماز و خدا حافظی نکنند! همانطور که در روایات آمده مستحب است در مواقع نماز وضو بگیرند، در محل عبادت خویش بنشینند و با خدا راز و نیاز کنند و دعا بخوانند تا ارتباط روحانی و معنوی آنها با خداوند تبارک و تعالی در آن ایام مذکور قطع نشود. مرحوم شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه پنج روایت در تأکید و استحباب اشتغال

خانمهای حائض در اوقات نماز به ذکر و تحمید و تسبیح آورده که یکی از آنها عبارت است از روایت امام صادق علیه السلام که فرمود:

«ینبغی للحائض ان تتوضا عند وقت کل صلاه ثم تستقبل القبله و تذاکر الله مقدار ما کانت تصلی» (وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۵۸۷) سزاوار است که زن حائض در هنگام هر نماز وضو بگیرد و روی به قبله نماید و به مقداری که هر نماز وقت لازم دارد ذکر خدا بگوید.

عبادت فاطمه علیها سلام

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «یا سلمان: ان ابنتی فاطمه ملائکه قلبها و جوارحها ایمانا الی مشاشها تفرغت لطاعه الله» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۲۶)

یا سلمان: دختر من فاطمه علیها السلام ایمان به خدا در اعماق دل و باطن روحش چنان نفوذ کرده که برای عبادت خودش را از همه چیز فارغ می سازد.

فاطمه ی أطهر با تمام گرفتاریها و اشتغالاتی که در خانه داشت اضافه از عبادات واجب به نوافل و مستحبات نیز می پرداخت، شیخ صدوق علیه الرحمه در علل الشرایع از امام حسن مجتبی علیه السلام روایت کرده که فرمود:

«رایت امی فاطمه علیها السلام قامت فی محرابها لیله جمعتها فلم تزل راکعه ساجده حتی اتضح عمود الصبح»
مادرم زهرا علیها السلام را در شب جمعه دیدم که تا صبح مشغول عبادت پروردگار جهان بود. دائما در حال رکوع و سجود بود تا سفیده ی صبح نمایان گشت.

شنیدم که مؤمنین را یک نام می برد و دعا می کرد اما برای خودش دعا نکرد. عرض کردم: مادر جان چرا برای خودت دعا نمی کنی؟ فرمود: اول همسایه بعد خویشتن (علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۳).

مرحوم مجلسی رضوان الله تعالی علیه روایتی را به این مضمون نقل می کند که: «ما کان فی الدنیا اعبد من فاطمه علیها السلام، کانت تقوم حتی تتورم قدماها» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۷۶)

فاطمه زهرا علیها السلام عابدترین مردم بود. در عبادت حق تعالی آنقدر روی پای خود ایستاد تا پاهای مبارکش ورم کرد.

ریاضتهای عبادی حضرت زهرا علیها السلام روح حضرتش را چنان به ملکوت اعلی پیوند داده بود که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از قول پروردگار متعال نماز خواندن و طریقه ی عبادت آن بزرگوار را برای آسمانیان چنین بازگو می فرماید: «متی قامت فی محرابها بین یدی ربها جل جلاله زهر نورها لملائکه السماء کما یزهر نور الکواکب لاهل الارض و یقول الله عز و جل لملائکتہ: یا ملائکتی انظروا الی امتی فاطمه سیده امائی قائمه بین یدی ترتعد فرائضها من خیفتی وقد اقبلت بقلبها علی عبادتی اشهدکم انی قد آمنت شیعتها من النار» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۱۷۲) فاطمه دخترم آنگاه که در محراب عبادت بایستد نورش برای فرشتگان آسمان درخشندگی می کند. خدا به ملائکه خطاب می کند. بنده ی مرا ببینید چطور در مقابل من به نماز ایستاده و اعضای بدنش از خوف من می لرزد و غرق در عبادت است و ببینید چگونه دلش را به عبادت ما سپرده. ای ملائکه گواه باشید که شیعیانش را از عذاب دوزخ درآمان خواهم داد.

حجاب و عفاف

مفضل از امام صاد علیه السلام نقل می کند که خطاب به او فرمود: «انظر الان یا مفضل الی ما خص به الأنسان دون جمیع الحيوان من هذا الخلق الجلیل قدره العظیم عناهه اعنی الحیاء» اینک دقت کن در صفتی که خداوند آنرا به آدمیان اختصاص داده و حیوانات از آن بی بهره اند آن خوی پر ارج و بزرگ آن چیز ارزنده و عظیم یعنی شرم و حیاء!!

مسئله ی حجاب و عفاف در دیدگاه مکتبهای الهی و پیامبران یکی از اصول مهم شخصیت و ارزش زنان است اگر چه در مکتبهای الحادی و جوامع غربی وضع غیر از این است و این دوگانگی تنها در مسئله ی حجاب نیست، بسیاری از سنن و احکام شرعی ما که مایه ی افتخار و مباهات برای ما است برای غربیها و بیگانگان از اسلام رفتاری غیرمعقول و خلاف شئون آزادی و دموکراسی است. در فرهنگ غرب بی عفتی، روابط نامشروع و برهنگی نشان روشنفکری و آزادی است تا آنجا که در امریکا و انگلستان ازدواج بین جنس موافق مشروع و قانونی است. پس ما را با این فاسقهای دور از عفت و عفاف چکار، ما مسلمانیم و پیرو مکتب قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت

عليهم السلام. الگوی بانوان ما زهراء و زينب عليهماالسلام هستند. زنان با ايمان ما در حفظ و پوشش خویش به دنبال چنین رهبران بزرگواری حرکت می کنند و کاری به مدهای اروپائی و غیره ندارند.

«يا ايها النبي قل لازلواجك و بناتك و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلا بیهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یوذین و کان الله غفورا رحیما» (احزاب ۵۹) ای پیامبر: به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو پوشش های خود را در برگیرند که بدین گونه بهتر شناخته و مورد آزار قرار نگیرند و خدا آمرزنده و مهربان است.

تفسیر علی بن ابراهیم قمی داستان نزول آیه را این گونه بیان می کند: زنان مسلمان به مسجد می رفتند و نماز جماعت را با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می خواندند.

هنگامی که آنها برای نماز صبح یا مغرب و عشاء از خانه بیرون می رفتند، جوانها بر سر راهشان می نشستند و به تعرض و آزار آنان می پرداختند.

آیه ی فوق به همین مناسبت نازل شد و در آیه دیگر در همین سوره می فرماید: «و لا تبرجن تبرج الجاهلیه الأولى» (احزاب ۳۳) به رسم جاهلیت پیشین، آرایش و خودنمایی نکنید.

این آیه هشدار به خانمهای عسر ما نیز هست که مواظب باشید جاهلیت پیشین که عبارت بود از بی حجابی و فحشاء و بی عفتی دوباره برنگردد و استعمارگران با نقشه های شوم و خائنانه ی خویش مجددا وضع را به مثل سابق قرار ندهد. چنانکه با کمال تأسف اشمن با سیاست گام به گام خود بی حجابی و بدحجابی و تقلید کورکورانه از فرهنگ منحط خود را طبق یک برنامه ی حساب شده با خط و جهت دادن از خارج و داخل کشور رواج می دهد به گونه ای که داریم به سمتی حرکت می کنیم که تدریجا به صورت یک امر عادی و برنامه ی پذیرفته شده ی جامعا درآمده است!!

رسول مکرم اسلام می فرمود: «ان خیر نسائکم... المتبرجه مع زوجها المتبرجه مع زوجها الحصان علی غیره» (من لایحضر الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۵) محققا بهترین زنان شما زنی است که... زینت بدن خود را نزد شوهر مکشوف و از نامحرم محفوظ و مستور سازد.

در بیانی دیگر می فرماید: «الا اخبرکم بشرار نساءکم... المتبره اذا غاب عنها بعلمها الحصان معه اذا حضر» (مکارم الاخلاق، ص ۲۵۶) می خواهید بدترین زنان شما را معرفی کنم؟... زنی که در اوقات غیبت شوهر آشکارا از خانه بیرون رود و خودنمایی کند و در هنگام حضور شوهر خود را از او بپوشاند.

دیدگاه فاطمه درباره حجاب

در پاره ای از روایات دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام درباره ی حجاب به گونه ای بیان شده که ابتدا ممکن است بعضی از زنان با ایمان فکر کنند شرکت آنان در اجتماعات و سخن گفتن با مردان مطلقاً ممنوع است در حالی که نظر آن حضرت اینست که زنان باید از هرگونه تماس و برخورد اجتماعی که منجر به بی عفتی و تحریک مردان می شود پرهیز کنند. مثلاً صدای خود را نازک نکنند، لباسی که جلب توجه می کند نپوشند و در هنگام رفت و آمد متین و باوقار تردد نمایند.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به زنان صدر اسلام درباره ی رفت و آمد به مسجد و کوچه و بازار سفارش می کند که: «لیس للنساء من سروات الطریق شیء ء ولکن تمشی فی جانب الحائط والطریق» (فروع کافی، ج ۵، ص ۵۱۸)

زنان نباید از وسط کوچه و گذرگاهها عبور کنند بلکه باید همیشه از کنار دیوار حرکت کنند (تا جلب توجه دیگران را ننمایند).

بنابراین خانمها می توانند در بیرون خانه رفت و آمد کنند ولی به شرط آنکه با مردان اختلاط و برورد نداشته باشند، زیرا همین اختلاطها مقدمه ی ارتباطها و بعد فتنه ها و شکستن حریم عفت و پاکدامنی آنها می شود. بنابراین حضور زن در اجتماعات با حفظ حجاب و عفاف جایز است.

امام صادق علیه السلام حضور فاطمه علیها السلام را در بیروی خانه این گونه بیان می فرماید: «ان فاطمه علیها السلام کانت تاتی قبور الشهداء فی کل غده سبت فتاتی قبر حمزه و تترحم علیه و تستغفر له» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۹) فاطمه علیها السلام روزهای شنبه سر قبر حمزه و شهدای احد می رفت و برای آنها طلب آمرزش می کرد.

اما دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام درباره ی حجاب و عفاف زنان:

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: روزی با گروهی از اصحاب خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودم، آن حضرت به اصحابش فرمود: «ای شیخی خیر للمراه؟» چه چیز است که برای زن بهتر از هر چیز است؟ هیچکس نتوانست جواب صحیحی بدهد. وقتی اصحاب متفرق شدند من به خانه رفتم و سؤالی را که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مطرح کرده بود به فاطمه علیها السلام گفتم: فاطمه فرمود: من جواب آن را می دانم .

«خیر للنساء ان لایرین الرجال ولا یراهن الرجال» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۵۴)

«بهترین چیز برای زنان آنست که مردان نامحرم آنها را نبینند و آنها نیز نامحرمان را نبینند. هنگامی که خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیدم و پاسخ فاطمه علیها السلام را به آن حضرت رساندم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شادمان شد و فرمود: «ان فاطمه بضعه منی» (کشف الغمه، ج ۲، ص ۹۲) براستی فاطمه پاره ی تن من است.

در روایت دیگری آمده که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از اصحاب خویش سؤال کرد که زن چیست؟ پاسخ دادند زن عورت است؟ حضرت پرسید: در چه وقت است که زن از هر وقت دیگر به خدا نزدیکتر خواهد بود؟ اصحاب نتوانستند پاسخ سؤال را بدهند تا اینکه مطلب به گوش حضرت زهرا علیها السلام رسید و ایشان در جواب فرمود: «ادنی ما تکون من ربها ان تلزم قعر بیتها فقال رسول الله ان فاطمه بضعه منی» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۹۲)

آن وقتی که ملازم قعر خانه ی خود باشد از هر زمان به خدا نزدیکتر است . پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود براستی که فاطمه پاره ی تن من است.

مرد نابینائی اجازه خواست تا به خانه ی فاطمه علیها السلام وارد شود، فاطمه در حجاب رفت و مرد وارد شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه علیها السلام فرمود «لم حجبتیه و هو لایراک فقالت علیها السلام: ان لم یکن یرانی فانی اراه و هو یشم الریح فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اشهدانک بضعه منی» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۹۱) او که مرد نابینائی است و تو را نمی بیند چرا در حجاب رفتی؟ فاطمه علیها السلام عرض کرد: اگر او مرا

نمی بیند من که او را می بینم و او بوی مرا استشمام می کند! رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: گواهی می دهم که به راستی تو پاره ی تن من هستی.

ایثار و بخشش

درست است که بعضی صفات مثل جود و کرم موروثی و مربوط به اصالت خانواده و سجایای اخلاقی پدران و مادران است، ولی در عین حال قابل اکتساب و ایجاد نیز هست. اگر کسی به عنوان وظیفه ی مهم دنبال آن باشد که خود را متخلق به این صفت حمیده و خوب بنماید کاری است شدنی و تدریجاً روح سخاوت و ایثار در او بوجود خواهد آمد. در کلام معصوم علیه السلام تشویق و ترغیب به مسئله ی سخاوت و ایثار در قالب این بیان آمده که حوائج نزد آنها بهتر روا می شود و این گونه اشخاص بی درخواست عطا می کنند.

روحیه جوانمردی و سخاوت آنقدر پرارزش و جالب است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به فرزند حاتم طائی یعنی عدی بن حاتم فرمود: «دفع عن ابیک العذاب الشدید بسخاء نفسه» خداوند تبارک و تعالی از پدر تو بخاطر جود و سخاوتی که داشت عذاب سخت را برداشت.

در اینجا توجه خانمهای با ایمان را به این نکته جلب می کنم که ایثار و سخاوت را منحصر در اموال شخصی خویش مجاز هستند و اجازه ندارند از هزینه ای که شوهر جهت مخارج روزمره در اختیارشان گذارده حتی در راه خیر خرج و مصرف کنند. چون بقول معروف خرج که از کیسه ی مهمان بود، حاتم طائی شدن آسان بود.

بانوان خوب می دانند که رسالت آنها امانتداری و حفظ اموال شوهر است بنابراین به خود اجازه نمی دهند که بدون حساب چیزی را به کسی هدیه و تقدیم کنند. تجربه نشان داده که طبقه ی زنان هنر خاصی در کنترل وسائل خانه و زندگی دارند و اگر اراده کنند خیلی راحت می توانند جلوی اسرافها و خرج تراشی ها و مصرفهای ناموزون و غلط را بگیرند.

ایثار فاطمه

جابرین عبدالله انصاری می گوید روزی نماز عصر را با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خواندیم. اصحاب نشسته بودند. ناگاه پیرمردی خدمت رسول خدا رسید که لباس کهنه ای پوشیده بود و از شدت پیری و ناتوانی

نمی توانست بر جای خودش قرار گیرد. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم متوجه او شد و از احوالش پرسید عرض کرد: یا رسول الله مردی هستم گرسنه، سیرم کن، برهنه ام لباسی به من عطا کن، تهیدستم چیزی به من بده، رسول خدا فرمود: من که اکنون چیزی ندارم ولی ترا به جایی راهنمایی می کنم شاید حاجت برآورده شود، برو به منزل شخصی که خدا و رسول را دوست دارد، خدا و رسول نیز او را دوست دارند. برو به خانه ی دخترم فاطمه علیهاالسلام شاید به تو چیزی عطا کند. سپس به بلال فرمود پیرمرد ناتوان با به خانه ی فاطمه هدایت کن.

بلال به اتفاق پیرمرد به خانه ی فاطمه رفتند. پیرمرد عرض کرد سلام بر شما ای خانواده ی نبوت و مرکز نزول فرشتگان، فاطمه علیهاالسلام جوابش را داد و فرمود کیستی؟ عرض کرد: فقیری هستم خدمت پدرت رسیدم مرا به سوی شما راهنمایی نمود. ای دختر پیامبر گرسنه ام سیرم کنید. برهنه ام پوششی به من بدهید، فقیرم چیزی به من عطا نمائید. حضرت فاطمه که هیچ غذائی در خانه سراغ نداشت پوست گوسفندی را که فرش حسن و حسین علیهماالسلام بود به پیر مرد داد. عرض کرد: این پوست کجای زندگی مرا اصلاح می کند؟ فاطمه گلوبندی را که دختر عمویش به وی اهدا نموده بود به او داد و فرمود: به فروش رسان و زندگی خودت را با آن اصلاح کن. پیرمرد برگشت و جریان را خدمت پیغمبر عرض کرد. آن حضرت گریست و فرمود: گردنبنده را بفروش رسان تا خدا به برکت عطای دخترم برای تو گشایشی فراهم سازد. عمار یاسر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اجازه گرفت که آن گردنبنده را خریداری کند. از پیرمرد پرسید آن را چقدر می فروشی؟

گفت: به بهای آنکه شکمم را از نان و گوشت سیر کنی، و یک برد یمانی بر تنم بپوشانی تا با آن نماز بخوانم، و یک دینار پول بدهی تا مرا نزد اهل و عیالم برساند. عمار گفت: من این گردنبنده را به بیست دینار و دوپست درهم و یک برد یمانی و یک حیوان سواری و نان و گوشتی که سیرت کند می خرم. پیرمرد گردنبنده را به عمار فروخت و پولش را تحویل گرفت و خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید. حضرت از او پرسید سیر و پوشیده شدی؟ عرض کرد: آری، به برکت عطای فاطمه علیهاالسلام بی نیاز شدم. خدا در عوض، به فاطمه عطائی بکند که نه چشمی دیده و نه گوش شنیده باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اصحاب فرمود: خدا در همین دنیا جنین عطائی را به فاطمه کرده است. زیرا پدری مثل من و شوهری مثل علی علیه السلام و فرزندان چو

حسن و حسین علیهم السلام بدو داده است. وقتی عزرائیل فاطمه را قبض روح کند و در قبر از او بپرسند پیغمبرت کیست؟ جواب می دهد پدرم. می گویند: امامت کیست؟ جواب می دهد شوهرم علی بن ابیطالب. خداوند گروهی از ملائکه را ماموریت داده که بعد از مردنش دائما درود بر او و پدر و شوهر و فرزندانش بفرستند.

«فمن زارنی بعد وفاتی فکانما زارنی فی حیاتی، و من زار فاطمه فکانما زارنی و من زار علی بن ابیطالب فکانما زار فاطمه و من زار الحسن والحسین فکانما زار علیا، و من زار ذریتهما فکانما زارهما»

توجه داشته باشید هرکس مرا بعد از وفات زیارت کند مثل آنست که در زمان حیات به زیارت آمده باشد و هرکس به زیارت فاطمه ام برود مثل آنست که مرا زیارت کرده و هرکس علی بن ابیطالب را زیارت کند مثل آنست که فاطمه را زیارت کرده و هرکس حسن و حسین را زیارت کند مثل آنست که علی بن ابیطالب را زیارت کرده و هرکس فرزندان حسن و حسین را زیارت کند مثل آنست که حسن و حسین را زیارت کرده باشد.

عمار گردنبنند را از پیرمرد گرفت و خوشبو نمود و در پارچه ی یمانی گذاشت و به غلامش گفت: این را ببر. وقتی غلام پیش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رفت، حضرت مال را با غلام به فاطمه بخشید. فاطمه علیهاالسلام گردنبنند را گرفت و غلام را آزاد نمود، هنگامی که غلام به آزادی رسید خندید. علت خنده اش را پرسیدند. جواب داد: «اضحکنی عظم برکه هذا العقد، اشبع جائعا و کسی عریانا و اغنی فقیرا و اعتق عبدا و رجع الی ربه» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۵۶). خنده من برای اینست که این گردنبنند چقدر با برکت بود. گرسنه ای را سیر کرد. برهنه ای را پوشانید و تهیدستی را بی نیاز کرد و غلامی را آزاد نمود. و باز هم نزد صاحبش برگشت!

مرحوم شهید ثالث در احقاق الحق نقل می کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیراهن نو و جدیدی برای شب عروسی و زفاف دخترش فاطمه علیهاالسلام خریداری و تهیه کرد، و پیش از آن فاطمه پیراهن وصله دار به تن می کرد. در همان شب فاطمه علیهاالسلام صدای ناله ی سائلی را بر خانه شنید که از برهنگی خود شکایت دارد و پیراهنی از خاندان رسالت درخواست دارد.

فاطمه علیهاالسلام که صدای ناله ی سائلی را شنید خواست تا پیراهن کهنه و وصله دار به آن سائل بدهد ولی بیاد این آیه افتاد که: «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون» (آل عمران، ۹۲)

هرگز به نیکی نرسید مگر آنکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید. بهمین جهت همان پیراهن نو را به سائل داد و چون هنگام زفاف شد جبرئیل پیراهنی از سندس سبز بهشتی برای فاطمه آورد که نورش چشمها را خیره می کرد. (احقاق الحقوق، ج ۱۰، ص ۴۰۱)

مبارزه برای گرفتن حق مسلم خود

احقاق حق و دست یافتن به حقوق فطری و اسلامی بین زن و مرد فرق نمی کند. در آئین مقدس اسلام تن به ظلم دادن و زیربار زور رفتن خود گناهی نابخشودنی است، چرا که سکوت در برابر متجاوزین آتش تعدی و تجاوز آنها را تیزتر می کند و در ضایع کردن حقوق دیگران به آنها جرئت بیشتری می دهد. پس باید هرکس که به او ظلم شد، چه زن و چه مرد در برابر غاصب و ظالم بایستد و از حقوق قطعی خویش دفاع کند. بر اساس همین قانون اصیل و مورد قبول همه ی جوامع بشری بود که فاطمه ی زهرا علیهاالسلام پس از غصب سرزمین فدک به دادخواهی و مبارزه برای گرفتن حق مسلم خویش برخاست.

حاکم به مقتضای اجتهادی که در برابر نص کرد حق حضرت زهرا علیهاالسلام یعنی فدک را تصرف کرد و ما در اینجا از نصوصی که از طریق اهل سنت بدست ما رسیده به دو موردش اشاره می کنیم.

ابوسعید خدری می گوید: وقتی آیه ی «وَأْتِ ذَالْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» نازل شد: «دعا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه فاعطاها فدک» رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حضرت فاطمه را خواست و فدک را به او عطا فرمود.

ابن عباس می گوید: وقتی آیه ی «وَأْتِ ذَالْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» نازل شد: «اقطع رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه فدکا» (درالمنثور سیوطی، ج ۴، ص ۱۷۷)

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تصمیم جدی گرفت که فدک را به فاطمه تقدیم کند.

حضرت زهرا علیهاالسلام پس از غصب فدک آرام ننشست و برای گرفتن حق خویش به مبارزه برخاست.

ابتدا نزد خلیفه اول آمد گفت: وقتی تو بمیری ارث تو به چه کسی می رسد؟

جواب داد: زنان و فرزندانم!

فرمود: چه شده است که حالا تو وارث پیغمبری نه ما؟

پاسخ داد: دختر پیغمبر پدرت درهم و دیناری زر و سیم بجا نگذاشته!

فرمود: اما سهم ما از فدک چه می شود؟

گفت: از پدرت شنیدم که «من تا زنده هستم در این زمین تصرف خواهم کرد و چون مردم مال همه ی مسلمانان خواهد بود.»

فرمود: ولی پیغمبر در زمان حیات خود این مزرعه را به من بخشیده است!

سؤال کرد: گواهی داری؟

فرمود: آری. شوهرم علی علیه السلام و ام ایمن گواهی می دهند. گفت: دختر پیغمبر می دانی که ام ایمن زن است و گواهی او کامل نیست. بدین ترتیب فدک به تصرف حکومت درآمد.

ابن ابی الحدید معتزلی در شدح نهج البلاغه می نویسد که از علی بن فاروقی مدرس غربی بغداد پرسیدم:

فاطمه راست می گفت؟ گفت: آری! گفتم اگر راست می گفت چرا فدک را به او برنگرداندند؟ وی با لبخندی پاسخ داد:

«لو اعطاها اليوم فدک بمجرد دعواها لجات الیه غدا وادعت لزوجها الخلافه» اگر آن روز فدک را به او می دادند فردا

خلافت شوهر خود را ادعا می کرد!! (شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۸۴)

وقتی حضرت فاطمه علیها السلام از دادخواهی خصوصی نتیجه نبرد تصمیم گرفت اعتراض و شکایت خود را در جمع و حضور مردم مطرح نماید و بهمین جهت با عده ای از زنان خویشاوند روانه ی مسجد شد، چون به مسجد می رفت راه رفتن او همانند راه رفتن پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود.

خلیفه اول با گروهی از مهاجران و انصار در مسجد نشسته بودند، حضرت زهرا علیها السلام پشت پرده در بین خانمها نشست. نخست ناله ای سر داد که مجلس را لرزاند و حاضران به گریه افتادند سپس چند لحظه ای آرام گرفت تا مردم آرام شدند آنگاه سخنرانی و خطبه تاریخی و کوبنده ی خود را آغاز کرد و با گفتاری شیوا و بلیغ دولت وقت را استیضاح نمود.

نطق آتشین و مستدل فاطمه علیهاالسلام که در جای خود باید بطور مستقل مورد بحث قرار گیرد جمعیت و خلیفه را چنان مجذوب و محکوم کرد که مجلس سخت متشنج شد و افکار عمومی بنفع زهرا علیهاالسلام رأی می داد. ابوبکر در بن بست سختی قرار گرفت ولی با ارباب و سرکوب مردم و پاسخهای بی محتوا جواب رد به حضرت زهرا علیهاالسلام داد و هر کسی هم از حق آن حضرت دفاع می کرد سرکوب می شد و از جمله مدافعین ام سلمه بود که به جرم حمایت از حق فاطمه علیهاالسلام تا یک سال از حقوق محروم شد.

حضرت زهرا علیهاالسلام تصمیم گرفت باز هم به مبارزات خود ادامه دهد و برای ادامه ی مبارزه شیوه ی جدیدی را انتخاب کرد و آن اعتصاب سخن بود و رسماً اعلان کرد اگر فدک مرا پس ندهی تا زنده هستم با تو صحبت نمی کنم. فهجرته فاطمه ولم تکلمه فی ذلک حتی ماتت» (شرح ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۴۶)

حضرت فاطمه علیهاالسلام تا پایان زندگی با او حرف نزد و همیشه از او روی برمی گرداند.

دفاع از حریم ولایت و امامت

یکی از درخشان ترین افتخارات بانوان پیرو مکتب تشیع آنست که در مسأله ی دفاع از حریم رهبری و ولایت، راهبر و اسوه ی حسنه ای چون فاطمه علیهاالسلام دارند. بانوان متعهد و آگاه شیعه با تیزهوشی و درک عمیق خود همیشه پشت سر مردان با ایمان خویش دست از دامن آل رسول صلی الله علیه و آله و سلم برنداشته و همواره در گرد عدل مظلوم و مظهر صفات کمال و جلال الهی علی(ع) و اولاد معصومش حلقه زده و امامت را بعنوان یکی از ارکان و اصول مذهب می دانند و این عرفان و شعور را آگاهانه از متن دین و عمق و ژرفای سفارشات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در احادیثی از قبیل غدیر، منزلت، ثقلین و امثال آنها بدست آورده اند.

بانوان با ایمان خوب می دانند که اول مدافع حریم مقدس ولایت و امامت، فاطمه ی زهرا علیهاالسلام بود که از بذل جان خود و فرزندش در این راه دریغ نکرد! پس از رحلت خاتم انبیا صلی الله علیه و آله و سلم مسئله ی سقیفه و خلیفه تراشی واقع شد. درست در آن موقع که امیرالمؤمنین علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام مشغول کفن و دفن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بودند.

در این میان حضرت فاطمه علیهاالسلام بعنوان اول مدافع حریم امامت کمر بسته و نخستین قدم را در راه مبارزه با غاصبین برداشت. دست حسن و حسین را گرفته شبانه به خانه ی بزرگان و رجال مدینه رفته و آنان را به یاری دعوت کرد و سفارشات و وصیتهای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به آنان گوشزد نمود.

سلیم بن قیس در کتاب خود از قول سلمان نقل می کند که:

چون شب شد علی علیه السلام فاطمه علیهاالسلام را بر چهارپایی سوار کرد و دست دو فرزندش حسن و حسین را گرفت و بر در خانه ی همه اهل جنگ بدر از مهاجرین و انصار برد و حق خویش را با آنان یاد آوری کرد و از آنها خواست که او را یاری کنند. و هیچکس جواب مثبت نداد مگر صبح با سرهای تراشیده و اسلحه در دست برای هم پیمانی با مرگ آماده شوند، هنگام صبح جز چهار نفر به پیمان خود وفا نکردند.

راوی گوید: به سلمان گفتم آن چهار نفر چه کسانی بودند؟ پاسخ داد: من، ابوذر، مقداد و زبیر.

شب بعد باز علی علیه السلام به سراغ آنان رفت و آنها را از پیمانشان آگاه ساخت. آنها هم وعده ی فردا صبح را دادند. فردا صبح غیر از ما چهار نفر کسی حاضر نشد.

شب سوم نیز نزد آنها رفت باز کسی جز ما حاضر نبود.

از حضرت زهرا علیهاالسلام سؤال شد آیا پیامبر قبل از وفات به امامت علی علیه السلام تصریح کرده است؟

فاطمه علیهاالسلام فرمود: «واعجابه انسیتم یوم غدیر خم» (کفایه الاثر، ص ۱۹۸)

عجبا آیا روز غدیر خم را فراموش کرده اید.

ام سلمه می گوید: پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دیدن فاطمه علیهاالسلام آمدم و حال

آن حضرت را پرسیدم، فاطمه علیهاالسلام در جواب فرمود:

«اصحبت بین کمد و کرب، فقد النبی، و ظلم الوصی، هتک والله حجاب» در حالی هستم میان اندوه و غم بسیار،

فقدان پیامبر، ظلمی که نسبت به وصی او انجام شده، بخدا سوگند پرده ی حرمتش را دریدند، مقام امامت و

رهبریش را بر خلاف تنزیل کتاب خدا و تأویلی که پیغمبر از آن فرمود از دستش ربوده و از او گرفتند و انگیزه ای

نداشتند جز کینه هائی که از جنگ بدر از او داشتند و انتقامهائی که بدین وسیله از جنگ احد می خواستند بگیرند

و آن کینه و انتقامها را در دل‌های نفاق جویانه ی خویش پنهان کرده بودند. او در سخنان پرسوز و سرشار از حکمت و بلاغت دیگر خود خطاب به زنانی که در روزهای آخر زندگی به عیادتش آمده بودند فرمود:

«و ما نعموا من ابوالحسن؟ نعموا والله منه نکیر سیفه و شده وطنه و نکال وقعته و تمره فی ذات الله» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۱۵۸)

آخر اینان از ابوالحسن (شوهر بزرگوار من) چه عقده ای در دل داشتند؟ بخدا سوگند عقده ی اینها از وی همان خشم و کینه ای بود که از شمشیر زدن‌ها و پایداربها و مردانگیهای او در میدان جنگ و حمله های شجاعانه ی او در راه خدا (با دشمنان دین) داشت.

مرحوم مجلسی رضوان الله تعالی علیه از قول سوید بن غفله نقل می کند که زنان مزبور هنگامی که بیانات حضرت را بازگو کردند، بدن‌بال آن گروهی از بزرگان مهاجر و انصار به عنوان عذرخواهی نزد فاطمه علیهاالسلام آمدند و عذر خود را اینگونه بیان کردند:

ای بانوی بزرگوار اگر ابوالحسن حقیقت را قبلا برای ما بیان داشته و فضیلت خود را در امر خلافت پیش از این بما خبر می داد ما هیچ گاه او را وانمی گذاردیم و به سراغ دیگران نمی رفتیم ولی اکنون کار از کار گذشته است.

«فقلت علیهاالسلام الیکم عنی فلا عذر بعد تعذیرکم ولا امر بعد تقصیرکم» (مجلسی، ج ۴۳، ص ۱۵۸) زهرا علیهاالسلام با شنیدن این سخنان رو از آنها گردانیده و توبیخشان نمود و دستور رفتن آنها را از نزد خود صادر نمود.

روش دیگری که فاطمه علیهاالسلام جهت مبارزه و دفاع از حریم ولایت انتخاب کرد مبارزه ی منفی و تحریک عواطف و احساسات مردم بود، حضرت زهرا علیهاالسلام با شکوه و ناله و گریه و نوحه و مرثیه سرائی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مصائبی که پس از رحلت پدر بر وی وارد شد، پایه های حکومت‌های غاصب را لرزاند و حداقل تأثیر آن اثبات مظلومیت خود و همسرش بود و همین وضع در میان مردم مدینه تدریجا جنب و جوشی ایجاد کرد و گریه ها و شکایت‌های یگانه یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زبانه زد مردم شد و از همدیگر می پرستیدند چرا فاطمه اینقدر گریه می کند و چرا با گذشت زمان مصیبت پدر را فراموش نکرده و

بالاخره بعضی از آنها با حضرت زهرا علیهاالسلام مواجه می شدند و فاطمه علیهاالسلام حقیقت را برایشان روشن می نمود .